

نویسد

شماره ۸، شنبه ۶ اسفندماه ۱۳۵۶

۱ (وابسته به حزب توده ایران)

سلسله مقالات (نویسد) دربارهٔ ویژگیهای جنبش کارگری ایران
و نقش روشنفکران انقلابی و مبارزان مارکسیست در قبال آن (۱)

درباب طبقه کارگر اهمال کرده‌اید!

تعدادی از ما مردم سخن می‌گویند، نقش پرآب کنید. می‌خواستید به عبت برضای گذشته و حاصل خط بطلان بکشید و رانایزایی به روی جابه‌جایی بکشاید. در این راه بی‌مایی محبت که بیشتر از آغاز مهربانست خود را بر بی‌بانی داشت. پارای از پیش‌تر زمین و بونترین عناصر طبقه کارگر بود. مای از روشنفکران انقلابی را گناید کرده سوسیالیسم را بر این گل‌های مطنفک طبقه بیفشانند. از این بود به سوسیالیسم شکلاهی و اسارت‌گناهی کشاندید و پشت طبقه کارگر را با این اصرار و سخاوت کویصنانه خالی کردید. گوشه‌پنهان راه به روی این ضدا زنده و پروطوات لنینی بستید که:

جد اگر ن روشنفکر انقلابی و کارگرگاه از طبقه به شامه آن است که برای گرم کردن و به حرکت درآوردن محیط کارگری، اجوب هائی را که در سخاوت آن به کار رفته بشکیم و بسوزانیم.

شما نه تنها صلابی به دست بیرونشانید انده، منتقابشوی انقلابی را در او نه میدانید به تانید به نیروی انضامی شود بلکه روشنفکران مبارزی را نیز با گناهای مرسالت بر ن جهان بیی کارگری و د اندر مارکسیستی را به درین طبقه داشتند امیراهمگناهیید و ضد طب بیرونشانید را گناید. راهگناهی رستگاری خلق شود می‌رسول گد اهمنید. در گناه این احوال رهنمود های لنین - اوانده را کدر برابرجنجهای جهان می‌درخشید. انده به:

«بدین طبقه اگر تمام بعب های دنیاطافه ه رفتند، حقیقتا فاه ه رفتند.»
و چون نه دانستید که بی لیلیت‌گرگ شما سردارانی روشنگرناهی، نتوانستید در پیامید کطیفه کارگر نیز روشنفکران انقلابی خویش ارشد حکیم می فرماید می‌است کسر در لاک خود بیرون برویضای جهان را به خود وای گد ادر.

«مرد آگاهی سو سال در مکرانیک در کلرگان - اصولا امکان تا پذیر است. این آگاهی را فقط از خرابی توان به محیط کلرگری برد.»

تاریخ تمامی کشورها گواه بر آنست که طبقه کارگرتنها با نیروی خود می‌تواند آگاهی تریه بیونینستولی تعاضوسی - صلی) در خود به به آورد. بعضی به ضرورت کرده آمدن در اتحادیه ها، مبارزه با کلرگرهایان وارد داشتن دولتها به مدد و این با آن قاطع مورد نیاز کلرگران و وضوسر معتمد گردید. ولی آمو زشوسو سوسیالیسم گرفته آن تلوری های لنینی، تاریخی و اجتماعی و بعضی است که نمایندگان تحصیل کرده طبقات را نیز و بعضی روشنفکران فراخمس آوردند. انده:

«تجربه کرد؟ - انتشارات حزب توده مایران صره ۲) شما جنبش خود بیی کارگری را در حمایت افوظطالیات اضمادی رها کردید و غرضمندی، سوسیالیسم انقلابی و پهرمان پرسرخی احساناتی، به خیال خود به صید سوسیالیسم رفتید، چرا که هم

«مهرکارخانه باید سنگر ما باشد... کار ما پیش از همه و به طرورمه و باید منجمه کارگران کارخانیا و موصات منجمه کلرگران شهری شود... ابعادیک سازمان انقلابی می‌کیم در میان کارگران صنعتی، اولین و مهم ترین طبقه سوسیال دموکراسی است. در مرحله کنون به حد لیلی غیرعقلانی است، اگر س ما توجه خود را از این طبقه منحرف سازیم...»
«لنین»

شما اهمال کردید. شما وستان هائی در برابر طبقه کارگر ایران واقعا اهمال کردید.

سال‌های مغفتم و حساسی را که باید صرف تدارک و تجمیسی صبرانه و سازماندهی انقلابی بر طبق بیرونشانید شد، به سناول نیزین بها از دست دادید. شما آزمانهای مارکسیسم را در بازار مکاره خرد میوزوایی به حراج گد کشانید. به نام مارکسیسم، بروی آن تیغ کشیدید. نیز طلم بیرونشانید، آن را خنک کردید... بروی این سخن ما همه آن روشنفکران مارکسیست و مبارزان خسته و بیولاشی است که در حست و جوی رستگاری خلق، از سناول سال های آتش و باروت و رنج و خون و اسارت و شکست گد شتفانند. اما هنوز خود را در راستانید نبرد و در آغاز راه می‌پایند. آنها می‌به قول پیشوای خردمند اکبر مرسالت آگاه کردن بیرونشانید را از نظر سترگ تاریخی آن به عهد به دارند.

شما سالیها در خود عوطه غوریدید، بیرونشانید را به خود رها کردید.

یک جنبه با پارای از وجود خویش به سود اهدای انضلابی در حقان کم آگاه و بی انگیزه دل خورید و انشدید. واز برای آبهسای و سوسانگیز مائوسیم، به روستاها خرد شدید تا د طلیمه برچسم سزخ رهائی را در حان شتزارها بسینید و سیه در حقانی را گناید محاصره شهر و آزادی کردن بردگان شهری می‌آید. استقبال کنید - و آگاهانه از این محصره ناسکن مایوسید به مدل از خرد میوزوایی روستا گدید. اما آن رانده میم خرد میوزوایی بروخاشجوی شهر گناید. شما از یاد بردید که بی سنگر و نقطه جوشش انقلابی در آنجا است که تیغ تولید انضامی تند می‌تید. شهر با روستا خرد به بیوزوایی با بیرونشانید اما این نگزیر در جای مناسب خود قرار می‌نیرسد. بد انسان شما با چشم بستن از این حکم طعی در سالیها روشنگر به حضم و هجوم درآید. بیرونشانید، این بیونترین و قاطع ترین طبقه انقلابی را گم کردید. و مسخر جنگ تن به تن قهرمانان بیخرد و سیردهای پراکنده جد از زنده و طبقه شدید. می‌خواستید بسا صدای خویش با یوت خلق را به آرد گناید، می‌خواستید بدین بازی توانای بیرونشانید را نیز در سناول از این آفکید می‌خواستید در سالیهای خویش خود انهدا را بسوزانید و افشانه شکست ناپذیری هیولای را که بر پاهای چنین ارتجاع و امیراهمگناهییم گناید داشت و از شکست‌گناهی و زنده انهای سبکیم و مهرکارگان



طغیان تبریز و وظایف ما

حوادث پررانه تبریز که دهها هزار تن از افسار و طبقات گد که کن انضامی راه نبرد خونین روبرو روبا مغوف نظم پلیس و ارتش برانگشت و هر نظر از جنبه‌های حماسه انگیز آن، نشانه بارز ناراضی و طغیان خشم همگانی از رژیم بر شکسته و پوسیده و بیمار شاه است. و طی خلق با جوب دست و سنگو پاره آجورد کشته ای عظیم به جنگ تانک ها و مسلسل‌های روده و طی شمارهای آزادی را با خون خود شعله می‌زند و مرگ را برای طلاقتی کردن آن زندگی گد کشید و منتظر آمو ز که می‌خواهند به اونحمل کنند می‌پذیرد بی شک آن لحظه انفجاری نزدیک شده است که حکم شکنندگان با شیوه های گنیده نتوانند در امداد همد و سکوت شوندگان نخواهند به وضع سابق حکومت شوند. اما در چنین لحظه‌ای که حکایت اینخون هشی رومه جانیه و پوه شدن و فریاشی درونی حکمت از یک سو و تقام باطن تعدادها می انضامی و در شن آن اوج گری رومه طعمیای انقلابی تودما دارد، اما سازمانهای سیاسی و طبقاتی مخالف نتوانستند با نند در بومانی اساسی و نقاط حساس بر نیزین جامعه منتفصر شوند و ارتش مطوم و ورژن رده و خود را مهابی کارکنند و چه بسا که این خویش و ریزش انقلابی در صحرا می‌نیزع شور و بلوی می‌گود و بیوانگر سو زینشود و در باک خلاص انضامی که از بی‌اسپن دوران فرا می‌رسد غورگنکند.

صیاب بیولوی تبریز به ما هشدار داد که شرایط ذهنی به قاطعه زیاده از شرایط منق انقلاب عقب‌انده است. توده ها در حشر خود پو گسترده خود سازمانهای سیاسی را گد باید در نظر بینشاز رهبری گنیده داشته باشند، به دنبال می‌کشند و انزوی رنجمه شده انقلابی نه در روند هدایت شده تا گنیک، بل در طغیان انتفا چو جوشش من و مباحم توده های به ضنوه آید هر صری می‌شود به خاطر این نقطه، به حای در هم شکستن و شنه به بنیاد های بنا نوده ای و نیکه گاهها و سنیوهای اهللی در کم نوزاد و طی و ضد دموکراتیک، به ملامت آن می‌تازد و توانای های خود را می‌بایار امیراه خرد می‌گد. بسد و سازمان مستحکم سیاسی انقلابی، حتی مرفی همزبان تحول حدمی نتواند در میان باشد. مبارزه بی تاکنک همان بنیادست و تاکنک تنها در مارجوب سازمان های صلی سیاسی و طبقاتی می‌تواند معنی مشخص و اثر بخش خود را بیاید. هر مبارزه ای در بنال در صفا ۳

فوق العاده نویسد به مناسبت «قتل عام دهها آزادیخواه در تبریز» بلافاصله پس از تهاجم خونین و جنایت بار رژیم شاه به مردم قهرمان تبریز در شهرهای مختلف یخسش گردید

این کدام شهید است که در گل‌های سرخ ماسرود می‌خواند؟

مرحوم کیدگان جده ری
سینه شکسته و شاداب
باده بهار را بفنا کند.

باده جوانی به بریل بنامش
بلد و این شادای ما...

گسرخی در آستانه کمال آید بنده هفت هفت‌خاوشیند.
حسانه او در شکوه گاه و آن‌سوی نیر به پهلوانی اش می‌دهد امر گاه
شاه و سرگناه نیرباران، نیازی به تکرار ندارد. این گزشت‌زبان
ما از برگ هم برای شعر خود پیام وصال ساخت. وقتی به آن
در احوال عمل انگیز رسید که امر آید زندگیش به سر و پروردگرس
شعر و گرامش بود. از برگ برای خواستگاری گنج‌انگیز زندگی بسته
دشمن خود بدل می‌شود. برگ‌های است. اما گسرخی واقف
بود که هر کس چنین بلند پایان او نیست!

در توت‌ترانه‌های غنچه و خوشون
در توت‌سردگان مساجیر
در توت‌سرد کفج

این کینه چشم‌های تو روشن
هرگز نبوده است

با سخن تو

مدان تهنیت

در خشم خلق به دل می‌شود

• • •

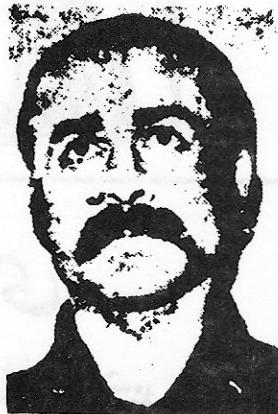
تنها زنده‌ها نیستند که خطر ناک اند. بعضی جنازه‌ها
از زنده خود خطر ناک‌ترند. آن‌ها که زندگی بر بهشت گسرخی
را بردند. جنازه او را هم از خلق پنهان کردند. شاید از این
بستگی شعر او داشتند: "هر دم از سدم و بر دم و سرود
می‌سازند." (۲)

... اما آنجا نتوانستند همه گل‌های سرخ را از گل‌دان هار
بفکنند. ما ریشه‌ها کشید. گلهای سرخ ایران گلشن ترشده‌اند.
این کدام شبیه‌است که در گلهای سرخ ماسرود می‌خواند؟

۱- غسر و گسرخی به همراه رفیق هم‌رزمن گرامت دانش‌پسندان
در سرگناه روز ۲۸ بهمن ماه سال ۱۳۵۲ برابر حوضه شهدام
قرار گرفتند.

۲- از مجموعه اشعار گسرخی از انتشارات حزب توده ایران
(۱- او که پیشگامان بر سر زندگی، مبارزات و دانیات او در
دادگاه نظامی و آنگاه برگ حسانه وارث - با انتشار منتشر
شده شعر).
۳- از دانیات گسرخی در دادگاه نظامی. نقل از کتاب "حسانه
غسر و گسرخی".

بابای برهنه در خراب‌زبان‌بده‌ها و تفری‌های شبه انقلابی
دویدن و فریاد زدن و سرود خواندن و از نفس انداختن و بوسته
و خنده خیزش و فریادهای ناله‌های ناگهانی... طبعه حقیقت
سرانجام ظاهر شده بود. مارکسیسم از انواع آن‌ترسیم و انقلابی
از شور و شوق باز نمانده می‌شد. حزب توده از احسان‌گسخت‌ها
و تاراج‌های ما، از زیر خوراک‌ها تمت و افترا و تحریف و لجن پراکنی
در میانه‌های پر غم و غرور نسل تازه‌ای از مبارزان آگاه گسخت
می‌انداخت. تا سرود سرخی را که ایرانی و ریشه ناتمام که افتاده



بودند و ادا می‌دهد. در چنین فضایی که از صدای رویداد و
ظهور لیریز بود و نخستین شهید دوران جدیده و روحیه شوخ
نترس از خوف انگیز ترین شکوه گاهها گذشت و با بهشتی مغرور
و نگاه فاتح به برگ لبخند زد. و آنگاه صف خوبی - که تازه آغاز
شده است - از سخن ایرانی و سیاحت و وارطان و شو شتری و روزنه
و تضاد - و سپس حرکت جو - برخاستند و زندانبانان شکسته
گاهها را از این‌ها ایوان خود سرشار کردند.

در این روند طبیعی و ناگزیر، گسرخی از یک عریضه خوان
تفنگ و همدم و سخن به به یک شعر توده‌ای که به خلق و طبعه
بیشتر از تفنگ افتاد داشت، قرار گرفت:
باید که دوست به فرم بمانم
بابای بهار

سال دگر برگ غسر و گسرخی
شعر انقلابی خلق ما گذشت (۱)

بر سینه کالی نشسته

زخم صیق کلری دشمن و اما

ای سرور ایستاده نیشانی

این رسم کتک است که ایستاده بخورد (۲)

سالروز خابوشی غسر و گسرخی یادآور حماسه روز و شعر و
وفاداری است. شاعری که در شعرش شکفت و شعری که پیام شرف
ماند.

گسرخی و شعرش نفس‌حاده‌ای هستند که در عرصه هنر
بیشرو، با میناگلی خالی و متعلق به ظهور می‌رسد. زندگیش
هنرمند، هم‌هر و آتش و نیش‌هنر می‌شود و هنر با آرزوی بلند
در احوال او این زندگی تا بی‌نهایت گم می‌شود. هنرند از خیم
و روح و نبرد و نیاور آرزو و از گزشتن و سخن و استخوان خلق و
هنرند می‌تراشد و هنر و دام و نیروی خلق را، چون ورد و
دعا، به هنرند می‌دهد.

گسرخی به این راه نگاه بود. او سرچشمه واقعی هنر
می‌شناخت. می‌دانست صراحت و نبوت شعر از لحاظ‌های آغاز
می‌شود که صدای زندگی و حقیقت در آن طنین و آواز آید. صدای
نی لیک سوزن جویان، زخمه می‌طیند دخترک قالی‌بافی، مهاجر
داسر در شالیزار، ترسان‌تر حمله‌ها در نیر آهمن و گل‌خانه و
هدیه و پاکبلی می‌فرسی طبعه، شادی سر سبز تولد هنر می‌شود
روای اولین عشق دختر هساره، بیست و پنج‌روز خوانده‌شگر
سفره خالی، اشک مادر در روز ملاقات زنده‌ای، نوحه و ناله ترم
در روزهای شورا، همه عاشوراها، همه مردی که در طینسان
عاشورای زنده‌ای بر می‌بایست.

و بدینسان عشق ناب و رفته‌ای به مردم، به عشق واقعی
به میهن بدل می‌شود و عروسی زنده‌ای رود، پروراز صلابت‌های
سپند، آسمان پر ستاره کو بر و بیچ همه‌های جنگ گیلان
و مازندران، نخل‌لوی گاشی‌های محمد شیخ لطف‌اللور و
و جادوی می‌نبرد حافظ، در شعر می‌رزد و بهشت و بسو و آن
می‌آورد.

در شعر گسرخی حسن حادثه‌ای رخ می‌دهد و متعلق و سبب
به خیرم بگای می‌رسند. هر کارگری که وطن می‌شود، هر
دشمنی که روی زمین نرسد، هر روشنگری که در شب و
اندوه می‌سوزد، سپهر حمله، نشت‌فر و شرگدر برانند
انوار، کارمند اداره او تاق، به صورت اخراج، پراکنده می‌بین
انسانی شعر در می‌آید. وقتی مدلم رهنمایی گرسنه است،
وطن گرسنه است. وقتی سوزن بان، ظلم خورشید در شب و ظلم
می‌سوزد، و بلبل نغمه و بیچاره است.

این سرزمین من است که می‌گرد
این سرزمین من است که می‌گرد
مباران دگر نیامده خندی است
آن کوبه‌های ابر کجا رفته است؟
عربانی گشتن‌ها
با سخن غصه‌ی بی‌شان.

هنر اگر هنر باشد، هنرند تنها تصور بر کنده جان‌سوز
جهان نیست. او به تصویر جهان گری می‌زند. گسرخی از این
طرح وارد تاریخ شد.

او هر چه به مرحله به غصه‌ی بی‌شان رفت. از لحظه‌ای که می‌بین
پرستی اندوه‌ها او با پشتی دوستی احساسات آیمت و روتوسی
آگرسیم برانتر متعلق شد. تالان در این سر و سلسله
و در بهشت به این‌ها می‌گسیم رسیده شعر و انسان و جیب‌ساز
دو باره کنده‌کرد. برای دراز بی‌شود شد.

رشد و تکامل گسرخی تصادفی نبود. او از کتاب و مجسم حرکتی
بود که حاشیه دارد می‌نورید. به از سالها سرود گسختی
حسانه‌های پهلوانی و اما می‌دورنما، که تنها یادگار آن
استخوان‌های براننده مبارزان در میدان نبرد‌های بی‌تناسب
تن به تن بود. تحریف ایدئولوژی‌های آن‌سین مزاج در هنر و خور
بود و لایق که مبارزه به شور و شوق می‌داد و شور و شوق خور
بامعرفی می‌کرد. سرود می‌رود و روتوس سرکش در بدن و او را بر سوله
رهای و روتوس‌های خواندن و از این‌سوزده خلق تاریخ را انتظار
داشتن و چرا آن‌ها همه حیال‌های و پریشانی، همه دیدارهای
حمال گسخت، سخن داس، حمان داس، در همان کس آنگاه
وی انگیزه راه انترنوسه عروسی‌ترند، بر تارها ترجیح دامن و

شعری از خسرو گسرخی

فردا

جان قلب با می‌بویم در اعم
و به د باوری دیگر به چشم
فردا که می‌آید و می‌کند بهشت در اعم
به خودم می‌گفتم:
من همین فردا
به بهشت می‌روم که همه از عیاش می‌گفتند
خواهم که گفت:

... کجا کار می‌رسد
من تو با انگش می‌بینم
من تو با حوری چون باوت
به عیاشی پایان به چشم
و بگویم: به بهشت می‌روم
فردا که همه به صاحب خورشید هم
و در این هنگام است
در این هنگام است

که همان بوسه خواهم بود
کز سر می‌دهد خورشید می‌هی

و سخن هاد از این بی‌بوی
به "حیدر" بوسری خواهم داد
تا که این جدایی نهراسد
و نگفتم چه هوای سردی است
حیف هم از کتافم کردم

شبه که می‌آید و می‌کند بهشت در اعم
به خودم می‌گفتم:

ما همین فردا
کاری خواهم کرد
کاری کارستان

... می‌آید و می‌کند بهشت در اعم
به خودم می‌گفتم:
من همین فردا
کاری کارستان
و به اسارتان هر کبیتی خواهم زد
تا همه

نارنجیان من تو بویند:
... طایر سازه من شنیده
پولش از او لاچاره
و در آن بعد "من مرد بی‌بوی جوان بود
و همه مردم، با باد آتاری به بونهار
کار و نان خود را در رد پا می‌بویند
تا که حشمت هفت سر بر آید
باز آن حور و دستان
بر فراز شبر آید بنامند
و به دورم با مشعل هاجوزند
و بویند:
"خسرو" زبونم باست

و در این هنگام است
و در این هنگام است
که به ماد و خواهم گفت:

... می‌آید و می‌کند بهشت در اعم
به خودم می‌گفتم:
ما همین فردا
کاری خواهم کرد
کاری کارستان

برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه کنیم!



دومبارز توده‌ای از زندان به پیدادگاه نظامی رفتند

۷ سال زندان محکوم شدند. اما این محازات‌های بی‌رویه و انتقام‌جویانه کشور خلق در عزم مبارزان کارگرمای وارد نساورد. شاید به دلیل همین تسخیر ناپذیری و افتخار به سن انقلابی مارکسیسم - لنینیسم بود که پس از پایان دوران محکومیت نفسی، رژیم فدا و بیست فطرت از آزاد کردن آنها سر باز زدند. نادرست بود که امکان پشیمانان نیز دادگاههای فرمایشی خود را نیز بر پای گذاشتند. در مورد این دو تودهای مومن و دشمن خطرناک خبری در دسترس آید. آصف و صابر بعداً در سالهای ۵۲ و ۵۳ بابت آزادی شدند اما یکی از آنها ۴ سال و دیگری ۳ سال محنت با مومنان قانسون سیه دستبخت شاه، به طور غیر قانونی در بند‌های زندانهای مختلف - اغلب اوین - نگهداشته شدند و این در حالی بود که به خاطر شرایط ناهنجار اسارتگاه در دو ازمایه جسمی و وضع و خرابی بار می‌بایست بودند. خود تیریزی معده، کمبودت و خونریزی در ریه و ابتلا به ضلالت سینه مبارزان تودهای ربه شدت آزادی داد و بخش زندگی آنها را تهدید می‌کرد. (این خطر با هدف تیربندی در حال حاضر رفتاری ما را به طور جدی تهدید می‌کند) سرانجام در چند هفته اخیر زندانیان خلق ایران، آصف و صابر را به بن‌سپنج دستباز و میزبوی و دوباره به دادگاه نمانی بردند تا مأموریک خیمه شببازی رسوا و سندی اگر چه بی اعتبار برای تجاوز و احسان و قهقانه خود دست و پا کنند. رفتاری مامان بار نیز در پیدادگاه به دفاع از خود و آزادی مبارز و خلق خود پرداختند و ضمایات و قانسون شکنجی‌های رژیم را محکوم کردند. به دادگاه هروسکی نیز آصف و صابر ربه ۱۲۳۱ سال محسوس و دوباره محکوم ساختند.

در مجموع همان درامس سخنه بود که ۶ جلهز دیگر نیز، مدت‌ها پس از سپری کردن مدت محکومیت خود و دوباره به دادگاه کشانده شدند و هر یک به ۴ سال زندان سجد محکومیت باقی‌مانده. شرح محاکمه این ۶ مبارز در شماره‌های گذشته "توده" به تفصیل افزاشد. اما آنچه باید با تامل و توجس هم جلهز آن‌ها در یکتا توری و آحاد مردم به هر وسیله و امکاتی که مقرر است افزاشد، سیاست حمایت‌گرانه ای است که رژیم شاه - ساواک در برابر مبارزان مختلف زندانی در پیش گرفته است. این توطئه جدید باید به سرعت رسوا گردد، باید افکار عمومی در داخل و خارج کشور علیه این خودسری‌های خاص شریعیت شود و به ماری این ترسانند ان نیز عمل و زنجیر بشکند.

رژیم شاه در روز مبارزاتی چون گشت‌جو ها، درزبان‌ها، جنبشی‌ها، مجزی‌ها، لجنی‌ها، گل‌توری‌ها و جوان‌زاده‌ها را با صحنه سازبهای سحره در زندان کشتار کرد. و امروز زندانیان به دلخواه خود بارها و بارها به محاکمه می‌کشند و بارها بارها خیره سرانه محکوم می‌کند. این جنایات سابقه‌هاست بشریت را به لرزدر می‌آورد و به حوادث نیز روزه زندانیان سیاسی ایران بدل شده است و به طرز دردناکی عدم اضیت و مصیبت‌های آن و خطر ناکند انان سیاسی، این فرزند ان غور و آلمان خسوا ه خلق‌های ایران را نشان می‌دهد. مبارز همجنس‌های برای حفظ جان و آزادی زندانیان سیاسی و جنبه وجدانی همه آنهاست که صیبن برستی و دیگر خواهشی باره ای از روح و هویت آنهاست.

و... این روز افزونی که به محاسن تیربندی و روزه دست اختیارات او را خواستار شده بودند، به سه سالانی در سال ۱۳۴۱ دستگیر گردیدند. در این تکیه‌گاههای ساواک، جنبه‌های کم نظیری از فداکاری به توده و آزادیهای کم نیستی ارائه دادند. دشوارترین و حیوانی‌ترین شکنجه‌ها تحمل کردند. اما سر عقده و راه خود ماندند و بارها و بارها بر سر رژیم فریاد زدند که به چنین که در این آن بر روزه شده اند، اختیاری می‌کنند به خاطر توده‌ها هر سر نوشتی راه اگر چه مرک باشد با قهر تیربازی می‌بوند. صابر محمد زاده و آصف زرم دیده در پیدادگاه نظامی شاه از آزادیهای خود و حزب توده ایران دفاع و فرمانان و شورانگیزی کردند که شن کامل آن در کتاب "توده ای‌ها در دادگاه نظامی" از طریقی مرکز حزب چاپ شده است. به دنبال این فریاد عشق و ایستادگی به خلق و آصف زرم دیده به ۶ سال و صابر محمد زاده به

رژیم دو صفت شاه دوتن از مبارزان توده ای راپس از ده سال زندان و مجدداً به دادگاه نظامی کشانده شد تا اتهامات واهی و سیه آشکار آنها ربه زندانیان طولانی تر محکوم کرد. این رفتار بی‌شانه و ضد بشری که با همی عرفی و قانونی و خلقی جسیز نهن علیل و مومنان زده آریا مبری قابل درک نیست و تنها به سه ضمایر اراده استوار و ایمان توده ای رفتاری ما، صابر محمد زاده و آصف زرم دیده صورت گرفته است، چرا که این دو تودهای مبارز توده ای طی سالهای شباه اسارت خود در دهنه‌ها می‌نخولده و در صدم گردتا و چنان کردند که خلق از آنها انتظار داشت و چنان گفتند که توده ای‌های راستین به صورت میراث انقلابی و سر ششقی جاویدان با ایثار خود به ما آموخته اند. صابر محمد زاده و آصف زرم دیده در جریان فعالیت و در تشکیلات تهران، توسط شهر باری خانن به چنگ ساواک افتادند. آنان مشورت جاپخانه حزبی را در حوزه تشکیلات تهران به عهد

انتخابی و فرهنگی و قضای موجود، پایش‌ها و در تنها امکان عملی - و منحصر به فرد نیز راه مایله با چنین احتمالی - بسک کاسفکردن نیروهای ایو زیسبون در، به ای وسیع است و جبهه‌های آن حنان وسیع که تنها محور و شرط ورودی آن آنگاه - به سرگوشی دارو دسته در یکتا توری است. فردا خیلی دیر است. امروز هنوز فرصتی هست. ما ولست زندانی راه بطلان و ریزه‌گرایی‌ها که شر و مشایرت و بی‌دال‌های فرساینده در درون جبهه نیروهای ملی و ترقی و هد در یکتا توری و خشن کردن یکدیگر تلف کرده ایم. حاصل این فاعل اندن‌ها و کم کاری‌ها را خلق‌های ما اینک در میدان نبرد‌های نامیرا برو می‌فرماند. صیب سازمان، با همین زندگی و پشتر هستی خسیستی می‌پردازند. صیبن‌های گرامی تم و صیبن‌های هرز تیربزی و خون‌های شیدا ای‌آینده و شهر - طغیان‌های اختیاری ناپذیر - فردا به گردش است. اگر به این ضرورت هستی - فاعلی آید، بر دشواری‌های اتحاد و پیوند نیز با نیمان کردن نظر ما یک اندیشی‌ها و زیاده‌طلبی‌های ابدی گیتی پاسخ‌دهیم. قدرت ما در اتحاد است. قدرت خلقی در سازمان‌های سیاسی خلقی است. هر روزی ما در گرو زنجیر شدن و شوخ‌خوردن این سازمان‌ها

نویسندگان ایران، انجمن وکلا، قضات دادگستری، شخصیت‌های ملی و علمای شرقی مذهبی و انقلابی و دوباره جبهه نیروهای ملی و سازمان‌های وابسته آن افعال روزافزون و آویخته به همچنان و شور بود، سازمان حرکت‌های دست‌انداخته ای و ضد امپریالیستی، گراه آگست که موازنه قدرت طبقاتی و سیاسی در جامعه ما به شدت به هم خورده است، بی آن که موازنه جدید، در روزهای سیاسی و اختیاری شکل‌نبرد. قالب‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی موجود، ظرفیت محتوای رشد یافته جامعه ما را ندارد و ضرورت تغییرات نهادی و تحولات و در گزین‌های اساسی به اشکال مختلف و گاه با جلوه‌های انفجاری و شورتی بروز می‌کند. زمین لرزه‌ها و تنبهای تند و سیلاب‌های سرگشی که ترم و رفته و ترمی است که می‌خواهد از درون بیسته تنگ و ناتمامت سیاسی راکد این محتوا و محتلی را به زندان و زنجیر کشیده و شکافد و خلتی کند. اگر احزاب و سازمان‌های سیاسی مخالف رژیم قادر نشاندن این قوه و اثر وی آزاد شده را در آسایش و انطباق به روی خود، متراکز و مبارز کنند، این فرصت را به دشمن خود ندادند تا با اصلاحات آبی و ترمیمات و درووی‌جانه‌های می‌کند محتوا ربه اینتی بی جامعه را در چنار و وقت بوی سازه و درجه شور و همچنان نرزانده توده‌ها را در در مجموع بحران همه حابه سیاسی، ایدئولوژیک و اقتصادری

طغیان تیربیز و ... حتی در قهر آرزوین و خشنونت بار ترین شکل آن و به سیاسی دارد به این ترمس که جلهز حتی در حدی نمانی، همان مبارزه سیاسی خشنی در کیشی دیر است. به این ترتیب در هر که شدن یک نیرو در واری و قهر آمیز با دشمنی که تا در ندان مسلح است و تاملی مواضع قدرت حکمی تیر را در دست دارد و به اضای خصلت ضد خلقی و وابستگی است که اینتر تاریخی و سالت و از نظر سیاسی و خنابت و در تکی از اوتسور است. به شاه فرستان یک ارتش ترمین ندیده صی ابزار و فرمانده به جنگی نامیرا است. ترمیس حسن حتی بیضا پیش معلوم است و مشورت و اواب آن با عناصر و گروه‌ها و وابستگی است که اینتر تاریخی و سالت و از نظر سیاسی و ایدئولوژیک استعداد و ظرفیت فرماندهی و سازماندهی ایست ارتش را دارند. اما از جنبه خطر و صیانت خود به انچه مختلف و دستاویزهای حواجر، هر بار زده اند. بیگانه‌ها و سربا با بورشو نامیرا تیربیز و پیش از آن طغیان کشنده خلقی در قم، در حواز اوج گوی بی وقت مبارزات ضد شاه، خلقی و یولتاریا، بی تاملی و تاملی بی سابقه رژیم و دانشگاه‌ها شدت و عدت فعالیت‌های در مرکز تکی خلقی و سیاسی کسانسون

حوادثی

که رژیم از انتشار آنها وحشت دارد

از گوشه و کنار کشور

نظارات مردم

در روز چهلم شهدای قم

در هفته گذشته در بسیاری از شهرهای ایران تظاهراتی به سبب تعطیل روز شهید ای راه آزادی قهورت گرفته است که تعدادی از آنها به صورت تظاهرات و تظاهراتی شده است. تاکنون از چند شهر خبرهایی در این زمینه به دست ما رسیده است:

در قم بعد از ظهر روز ۲۹ بهمن مردم در خیابان امام بسا شعارهای ضد دیکتاتوری و درحالی که بازگشت آیت الله خنسی را خواستار بودند به راه افتادند و در خیابان محضرها شاه به طرف خانه آیت الله گلیاگانی به حرکت درآمدند. این تظاهرات خنصر به زور خود با پلیس آرمی سرخ شد و جمعی دستگیر شدند. در همین روز در خانه تعدادی از علمای قم و همچنین ساحت شهبس مجلس ختم شهید ای قم برگزار شد.

روز اول اسفند آیت الله روحانی در صحنه شهبان قم طس سخنانی افشاکرانه ای که پس از ختم در قبه با قطع بوق توسط ساوانک ناتمام ماند اعلام داشت که واقعه تبریزه دنبال کشته شدن یکی از آزادخواهان این شهر توسط پاسپورتر رخ شد. دولت مالیات های سنگین از مردم می گیرد و آن را صرف خرید سلاحهای می کشد و زو به آن رادر سینه مردم می پناه خالی می کند.

آیت الله شریعتی از نیز طی سخنانی خود در صحنه عظیم در محرم هزاران تن تهاجم خنصر به تظاهرات مردم تبریز و کتار وحشیانه مردم این شهر را محکوم کرد و اعلام داشت که پلیس کار راه دیگری کشاند زیرا یکی از آزادخواهان این شهرهاگام جسدان اعلامه روی دیوار بازار کتار. آیت الله شریعتی در ای حملات جریبل را در این باره که وی تظاهرات مردم تبریز را محکوم کرده است تکذیب کرد. وی حادثه خونین تبریز را تمام مسلمانان حباب به ویژه مردم تبریز تسلیمت اعلام داشت که مجلس ختم شهید آقا نوحه به مشورت های علمای قم در پی روزی برگزار خواهد شد.

در شروز روز ۲۹ بهمن شهر به حال تحضیل درآمد. در دانشگاه این شهر دانشجوین در محوطه دانشگاه علیه حکومت استادی ای شاه دست به تظاهرات زدند که آنها هم کارهای رژیم درووشد. جمعی دستگیر وده ای محروم شدند.

در کرمان نیز روز شنبه ۲۹ بهمن دانشجوین به عنوان افترا که کتار مردم قم از محرم در کلاسهای درس خود درای کردند. کتسه شهر نیز مجازه های خود را بستند.

در مشهد به دنبال تظاهرات دانشجوین دانشگاه این شهر پلیس به حال آماده مانور آمد و در نقاط مختلف شهر مستقر شد. تا حدود تیرید پلیس مردم در خیابانهای شهر دست به تظاهرات بر نوری علیه رژیم جنایت کار شاه زدند.

در آرمین الحاقی قم "تهدیه" نیز چاپ می رفت گزارشگر "تهدیه" از اهواز خبر داد که همزمان با تبریز، قم، مشهد و تبریز های دیگر در این شهر نیز مردم به عنوان افترا تیزه کتار مردم در قم حکومت دیکتاتوری در خیابان باغ شیخ دست به تظاهرات زدند. پلیسهای آن که نتوانست با کارشکن آور تهاجم کند که در خنصر که نیروی به نیروی دیگر. همین تعداد محرومین و کتسه شدگان احتمالی معلوم نیست.

تبعید روحانیون آزادیخواه

به دنبال کتار و جنایات مردم قم رژیم ضد خلق شاه هجوم ناره ای ابرار سرکوب حرکتیکه صدای انتزاعی آزادیخواهان آزاد کرد. "تهدیه" انتشار دادهای وسیع ملی ایران خنصر دهده که رژیم تبعید استادیان آزادیخواه و کوبندگان معاهد حوزه علمیه قم دست زد و وحشت الاسلام آمانی شیخ معتمدی به پایه بندهنگه وحشت الاسلام آمانی شیخ محسن توری راه شهبستان خلخال وحشت الاسلام آمانی سرکارم شروز راه بهدر حابه بهار وحشت

الاسلام آمانی مرتضی فهم کرماتی راه شهبستان سز وحشت الاسلام آمانی محمد علی کرماتی راه شهبستان خوشتر وحشت الاسلام آمانی عباسی راه بندر جاه بهار تبعید نمود کتار. "خنصرنامه" همچنین اطلاع می دهد که آیت الله محلاتی از روحانیون آزادیخواه و مراجع تقلید شروز "به دنبال ابراز تفرقی نسبت به اهانت به "مامعه روحانیت" و کتار جمعی مردم قم بوده. از سوره حال رژیم دستگیر و به بندر بوشهر تبعید گردیده است. طالبین خنصر جدید رژیم ضد مردمی را به روحانیت آزادیخواه محکوم می کنیم و همه مبارزان آزادیخواهان راه پختنهایی از این روحانیون ضد استبداد فراری خواهیم.

وحشت رژیم

از تماس ارتشیان با مردم

اخیرا پخشنامه فریبکارانه ای به فرماندهان ارتش، شهبانی و واند لری ابلخ شده است که در آن از فرماندهان خواسته شده به زیر دستانتشان با مردم آوار شوند و تاکید کنند در جماعت عمومی از وضع زندگیان گله و شکایت نکنند. به دنبال دستور این پخشنامه در همه واحدهای ارتش، زاده لری و شهبانی حملات کوناکوسی جهت به اصطلاح تفریح این پخشنامه برای زیر دستانت تشکیل می شود. در این حملات اغلب درجه داران و افسران جزو گناه افسران ارتش تبعید می شوند که در ناکسی و پختنهایی ها کسی حق ندارد از کسی حقوقی بخرج کر شکر زندگی وی سنگینی نکات است کند. محروم جنس پختنهایی ای خود بزرگ ترس دلیل اچ گوی روز افزون نازهای از رژیم بوسیده و قرون وسطایی شاه خونخوار و آکشر در درون ارتش است. شامعتی از درود ارتشیان بسا هم سپهتشان بر سر عادی ترین مسائل یعنی نان و آب و مسکن و کرامتی وحشت دارد. گزارشهای رسیده حاکیست که در پایان اکثر این حملات کسانی که به اسارت می آید از ارتش صرف کوشدن این به تبعیدهای فرماندهان کرده اند با پخشنامه حملات را ترنکار دارند و از این که می خواهند زبان آنها را به سفاقت دهانشان بهد و زبند زبان به افشای رژیم شودند.

لشکرکشی شاه به آفریقا

درحالی که رژیم جنایت شنه و تجاوزکار شاه می فرماندهان تصادم گزارشها و خبرهای مربوط به در حالت مستقم ارتش ایران را در حنک شاه آفریقا علیه حکومت انقلابی اتیوپی در شاه واند ارم و حافظ مایع امپراتوریس جهانی ناکسی می کشد. گزارشهای رسیده از داخل ارتش همگی "حایت از تفریح" حابه حاسی و مایع حنسی واحدها و نقل و انتقالات فوق مجزانه دارد. این حرکات مجزانه آن حنان شدت یافته است که در اکثر واحدها سربازان اسیر ایرانی بوی حنک و خون را استشمام کرده اند. پس از هر تهاجم حنک در واحدها با کتارها جنگ در آفریقا است. سربازی که تازه ازین جنگ شده و بیشتر از دستن گرفته اند و به جای آن نقد به دست داده اند از کار دستن گرفته اند که از تمام ایران، ده جودش و انتقام تهران و میان لاله زار دیده، می پرسد: آفریقا کماست؟ چرا باید جنگیم؟

این ولوله در بعضی از یادگانیها که در آنها اغیار مربوط به کتسه شدگان حنک طهار هنوز دهان به دهان می گسردند و بیشتر محسوس است. از جمله این یادگانی می توان از یادگانی سز و کارون نام برد.

نخستین گزارشهای رسیده از یادگان کارون در استان فارس حاکی است که جمع زیادی از سربازان راننده تپ مستقر در این یادگان را مانع از راه رفتن افراد داشته اند اما کتسه که در اند این رانندگان همراه دیگر سربازان ارتش به دستن کرده و به اشاره این بان کتسه و انتشکن به آفریقا فرستاده شده اند تا در کار سربازان رژیم تحایز تکر سوبالی علیه حکومت سز و انقلابی اتیوپی جنگند.

بنیانه دانشجوین دانشگاه تهران

دانشجوین دانشگاه تهران در آغاز نیم سال دوم سال تحصیلی بهانه ای صادر کردند و اعلام داشتند: "در آستانه سال تحصیلی جاری مقامات دانشگاه و در رأس آن رئیس دانشگاه محصلی ضد آموزشی ضد فرهنگی توأم با فشار پلیس و نفی کتبه حنصر صحنی دانشجوئی به وجود آوردند و موازین انسانی را زیر پتسا گذاردند. دانشجوین در مقابل این تعدی و تحایز جهت روشن کردن مسائل با حضور مقامات محص صوسی بر پا کردند و مطا نسبت فعالیت های صحنی را به ثبوت رساندند و در این راه از حمایت استادان نیز برخوردار شدند و هنگامی که محاص صوسی با زور پانتم بر هم خورد با می جوابماند از رفتن به کلاس خود لوری کردند. دانشگاه ها و بعد از زمانی مختلف نیز با هم کتسه پختنهایی خود را از فعالیت های صحنی اعلام داشتند. مقامات دانشگاه بهیای احترام به خواست های اصولی دانشجوین ۲۰۰ تن از دانشجوین را به بن صحن کتسه دلیل بن کتسه نهم از تحصیل محروم کردند و بعضی از دانشکده ها را تعطیل کردند. در مقابل این احمسال شنبه دانشجوین امتحانات را تحریم کردند. ما بزرگوار اسلام می داریم که ما عزیز و راسخ برای نیل به خواستهای بر حقمان مجازه کرده و جدا میگرد. ما بکوتاه خواستار به رسمیت شناختن حقوق صحنی خود و بطل نفوری سکت محرومین از تحصیل می باشیم و هرگونه دستنسی یا مشهورنگه و خواستهای دانشجوئی را محکوم می گسردند. مسئولیت کتسه واقفاناشی از آنرا متوجه گردانندگان دانشگاه می دانیم."

تظاهرات در

دانشگاه ملی و دانشکده پلی تکنیک

دانشجوین دانشگاه ملی ایران روز اول اسفند ماه ای افترا به تظاهراتی حنصر دانشگاه دست به تظاهرات وسیعی زدند. در جریان این تظاهرات پلیس و پختنهایی به دانشجوین حنصر شد. در این هجوم تعداد زیادی از دانشجوین و افراد گسار صرح گردیدند. اخیر رسیده حاکیست که در جریان اسن تظاهرات دانشجوین ممسه نکت بار شاه را در محوطه دانشگاه با سز و از آهر خورد کردند.

از دانشکده پلی تکنیک نیز خبر می رسد که در روز اول اسفند دانشجوین این دانشکده با شعارهای ضد دیکتاتوری دست به تظاهرات زدند. در این تظاهرات دانشجوین از خواستهای خلق عصان کرده تبریز که در رأس آنها سز و کتسه رژیم دیکتاتوری و بازگشت آزادی قرار داشت و پختنهایی کردند. این تظاهرات نیز به برخورد با کار و داخل دانشگاه پلی تکنیک انجامید.

تظاهرات محصلین در آمل

پس از طبر روز بیست و پنجم بهمن ماه دانش آموزان آمل تظاهرات جنبانیی به شوری بر پا کردند که عده ای از هتگران و مردم مسو این تظاهرات به آن سوتند. تهاجم کنندگان در حالی که علیه تهاجم انتضالی ایران حنصر می دادند و تهاجم کتار کتار فضایی سیاسی و امیای آزادی و قانون بودند و خواستار بازگشت آیت الله خنصر از تبعید شدند. تهاجمات دست با شرکت درها محصل آمل از دانشجوین آمل پس از عبور از آمل از خیابانها بانک ملی و دانشکده و صمدی به صدها نفر صحن صدها تن از محصلین دبیرستانهای پهلوی و طبری به امین دست بر شمل و خوش پوشتند. بعضی نقاب بره سوره است و تهاجم گروهی اعلامه های سیاسی پختن می کردند که صحن آمل را حنصر شملهای تهاجم کنندگان بود. پیش از آن که هجوم ماموران شهبانی آغاز شود، تهاجمات در کتبه هاو خیابانهای صحر خود فروکش کرد.

رژیم در برابر عزم یکپارچه اعتصابیون پُست عقب نشست

کارکنان پست تهران هم خود را به ادامه اعتصاب تا تحقق همه خواسته‌هایشان اعلام داشتند. در اورژانسهای اختصاصی نیز افزایش حقوق و احتساب ۶ سال سابقه کار، ۱۰۰ تن از نامه‌ها رسانها که در سال ۹۹ استخفا شده اند و ارسال رسمی شده اند و آن که سوابق گزارش به حساب آید افزایش حقوق ناچیزترین تنگدلی و جزو سخت‌هاست و نیز پرداخت کمال حق ایستادگی هر سال پرداخت می‌شود و باقی ماندن آن را بالا بکشند، قرار داشت.

گزارش خبر ناگزیر نبود. حال است که اعتصابیان ۱۰۰ استخفا به دولت فرصت داده اند که خواست‌هایشان را محقق کند و علاوه بر رسم سفته ناچار این جبهه‌ها رسماً به پست‌ها اند. کارکنان پست اعلام داشتند که اگر تا پایان مهلت مقرر که خواسته‌هایشان تحقق نیابد و در پاره دست از کار خواهند کشید.

خبر شایع و بی‌اساس زحمتکشان پست نیز گزارش‌ها مناسب برای آغاز اعتصاب (بناحیه شماره ۱) در پست‌ها و نیز کارکنان پست و کارکنان تبریک نوروزی و نیز یکپارگی و پایداری آنها در اعتصاب بر زمین‌ها عقب‌نشینی دادند.

در میان زحمتکشان پست به دنبال یک هفته اعتصاب پسر شور روحیه تازه ای پیدا کرده اند و روحیه ای که از درک نیروی اتحاد و همبستگی سرچشمه می‌گیرد.

پیروزی کارگران اعتصابی دختلیات

اعتصاب دو هزار کارگر دختلیات تهران که از صبح دوشنبه ۱۷ بهمن آغاز شده بود سرانجام پس از سه روز با وده و تمهید کار فرما برای انجام خواسته‌های آنها پایان یافت. دفتر تهیه و ارباب کار فرما طبق گزارش‌های رسیده طی سه روزی که اعتصاب ادامه داشت هیچ که ام نتوانستند مزاج کارگران را برای احقاق حقوق به فروتنی و فروتنی شان در هیچ‌کدام. بهترین خواست کارکنان تعدیل نظر در جدول حقوقی و آبی است که کار فرما برآورده کردن آن مدت کوتاهی وقت خواسته است. با تعدیل نظر در این جدول حقوق کارگران زحمتکش دختلیات افزایش یافته است. دختلیات زحمتکش از افزایش حقوق و ناچیز کارکنان خود را می‌دانند که به عنوان یک انحصار بزرگ دولتی در آمد سرشاری دارد. در سال ۹۹ در آمد دختلیات پست از ۷۱۹۷۷ میلیون ریال بوده و در سال بعد به رضی بالاتر از ۱۰۹۹۹ میلیون ریال رسیده است.

اعتصاب پست شور و یکپارچه نامه رسان‌ها و کارکنان اداری پست تهران سرانجام پس از یک هفته پایداری به پیروزی رسیده. روز سه شنبه در برابر صف ضد عزم آهنین اعتصابیون عقب‌نشینی و تمهید سوزگه تا ۱۰ استندگله خواسته‌های حقایق زحمتکشان را در پیست راهی سازد.

اعتصاب نامه رسانها به دنبال بی‌اعتنایی مسئولان اداره پست به خواسته‌های حق آنها از روز دوشنبه ۱۰ بهمن ماه آغاز شد و دو روز بعد کارکنان اداری پست تهران نیز به اعتصابیون پیوستند. پیش از آغاز اعتصاب کارکنان پست که سفته‌ها را برای بازرس به اداره آید، به دو تناس گرفته خواسته‌هایشان را مطرح کردند اما آقای وزیر فرار و فرار ترجیح داد. پس از آن که اعتصاب در گرفت و وقتی حساب‌های سرانجام برای حاضر شدن شرکت خشم اعتصابیون و مذاکره با آنها به اداره پست آید، اعتصابیان یک صد گفتند: "با زوری که با مشکلات و درد‌های ما بیگانه است حرفی نزنیم". یکی از آنان می‌گفت: "... آقای وزیر می‌دانند که من با چندین سال سابقه کلر هنوز باید با این صحنه‌ها درگیر باشم و این‌ها می‌شود شرف‌زندی که می‌گویم؟ یکی دیگر از نامه رسانهای اعتصابی گفت: "شعبه در پیست است و زن و بچه‌ها هم صورت‌هایشان را با این صحنه‌ها در سن داده اند. اما آخر با ۱۲۰۰ تومان حقوقی که حتی خرج یک صحنه این آقایان هم نمی‌شود جز سر انگشتی چه جزایری توانم به آنها بدهم؟" دیگری می‌گفت: "بچه‌ها هم شب‌خوابی را برای پدید آوردن جیره و حقه می‌کنند و هر هفته می‌فرستند. ام چرا که ۱۹۹ تومان که نصف درآمد باید بابت کرایه اتاق بدهم چه جزایری توانم برتقال کلیدی ۳۰ ریال با حساب کلیدی ۱۰۰ ریال بخرم؟" اعتصابی دیگری می‌گفت: "من حاضرم جانم را در آن کم تا شاید دیگر همکارانم زندگی بهتری داشته باشند". ... سپس همه با هم بیسنان بستند که تا بر آورده شدن خواسته‌هایشان انزای نایستند. اعتصابی می‌خواستند که در نظر از جان خود به عنوان نماینده انتخاب کنند تا با آنها مذاکره شود اما آنها که با شیوه‌های نرسیده و غریب و تطمیع نیندید. ... آشنا بودند در پاسخ می‌گفتند: هر کس با ما کار دارد به جان ما می‌دهد. می‌خواهید ۱۰ تن از بهترین هزار اعتصابیون و شما آنها را روانه زندان کنید؟ نه! هرگز! در طول اعتصاب، اعتصابیون از زور و غم اخلاقی و مغفبی روز به روز به درون صفوف خود و شورش‌های جلگه‌ای کردند و اجازت ندادند فتنه‌گران عامل روسم در صفوف فتنه و آهنین آنها بی‌نظمی و افتضاح وارد کنند و بهانه‌ها به دست‌گزارهای روسم دهند.

برای آگاهی هواداران حزب

با یکبار دیگر بیعتی هواداران حزب را در همه جا آگاه سازیم. یکپارچه بر اساسی و متحدان حزب است. گروه انقلابی توده‌ای به وجود آمده و با مرکز حزب توده در مرکز شهر تهران واقع شده. برای برگزاری این کارها تا هنگامیکه سینه‌ها گسترده‌ای اختیار نمی‌شود، نباید به نام مستعار و بدون نام و نامی که در تهران و سایر نقاط ایران نام مستعار و خبرهای چاپ شده می‌تواند از خود و محیط اجتماعی ایران را که در روزنامه‌ها منتشر نمی‌شود برای ما بفرستد.

این گروه نام‌های خود را می‌تواند مستقیماً از ایران بفرستد ولی بهتر است که با مسئولان آگاهی در خارج از ایران - بفرستد و از او بخواهد که آن را به دفاتر حزبها به پست بفرستد. در مواردی که حتی می‌تواند از دفاتر آگاهی استفاده کند که آشنایی به بی‌نیجه و نظرات هم نمی‌فراستد. این پستی که در آن اطلاعات انگیزه‌ها شده است.

برگزاری بیعت کامل سازمانی تنها از راه ارتباط مستقیم فردی که همه مردم خود اطمینان شده باشد با سازمان مرکزی حزب توده می‌تواند. برای گرفتن این ارتباط باید دست‌مورد نظر به فریب ساده و از یک طرف می‌شود. و با از پیشگام (در نظر سازمانت و با خانه مسکونی) به این مکان نام و نشان خود به شماره تلفن ۷۱۳۳۹۹۹ و ۷۱۳۳۹۹۹ در پایتخت تلفن کند و وقتی با شماره ۵۷۰۷۰۷۰ با بخواند. آن دوستان محترمی که با آن شماره با مرکز حزب توده یکپارچه به نام خواهد شد. در هر طرف این و نه در طرف دوم نام واقعی و واقعی خود را بفرستد. خود را به نام مستعار معرفی کند و به راه‌های که به شما خواهد شد در دنیا تهیه کند.

راه دیگر برگزاری بیعت به وسیله یکی از دوستان محترم در خارج از ایران است که با مسئول یکدیگر برای دیدن در ایران می‌آید و وسیله برگزاری بیعت سازمانی بین شما و سازمان مرکزی حزب توده می‌گردد.

رای آگاهی خود را به نام واقعی خود به "توده" بفرستد. حزب توده ایران در داخل کشور و نیز در خارج از کشور مرکز حزب توده است.

با راه‌های خلق حرکتی کنیم. هدف ما حق است. راه ما بی‌نیجه است. ما سرانجام پیروز خواهیم شد.

با ما همبسته‌ها که می‌تواند

Sweden
10028 Stockholm 49
P.O.Box 49034
صاحب پستی صاف

Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
No 0 400 126 90
Dr. Fekkan

نشویه خبری جبهه ملی ایران

نخستین شماره نشریه خبری اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران با نام "خبرنامه" در چهار صفحه منتشر شد. این نشریه همان طور که انتظار می‌رود از روی سانسور و دیوار اختیاری - بسته رسیده اما واقعاتی که به روزی نامه‌ها و ورق پاره‌های تبلیغاتی رژیم پاسداری که در خارج از ایران پراکنده است، انتشار این اخبار و بررسی و توضیح سالی که بلندگوهایی و جبهه و جامل و پیروزی دار و دسته استبداد آنها را از مردم پنهان می‌دارند و با باطنی و دروغ و ترس می‌آمیزند به شاه یک عامل افکارانه ملی در عوارضت بسیار است. حقیقت بزرگترین سلاح و ترمیم خلق است و به همین دلیل آنها که از خصم سره‌نمایان و کناره‌های مکرر زوزی می‌کنند و با همه وسایل نفوس حقیقت و راستی دشمنی رسیده ای دارند. به این ترتیب انتشار نشریه ملی در نشریه خبری اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران در شرایط این مبارزات خلق و مبارزات که ضد استبداد است سرآمد ایران و به عنوان یک دولت و نیرو بزرگ در عین مبارزه نزدیک و همبستگی زینت نیروهای ضد استبداد می‌شود و اختلافی است. قابل ستایش است. هیات تحریریه "توده" این مطبوعت را به هیات تحریریه و با بنیان نشریه ملی جدید از صمیم قلب تبریک می‌گردد.

توفان خشم مردم تبریز هنوز فروکش نکرده است

توفان خشم مردم تبریز هنوز فروکش نکرده است. هنوز مردم تبریز خباثنهای شهر تبریز را در روزی هم می‌نشانند و دست‌های که کرده در برابر پلنه استبداد محصود و رضانامی را نشانده گرفته اند. کرده‌های پاسداری حکومت خون و خفقان در تمام محله‌های شهر بر سر و زنده و کوچکترین حرکتی بند دلفان را بپاره می‌کند. شهرهای ارتش و در حال آماده باش به سر می‌برند. کناره‌های سازمان‌های روز ۲۹ بهمن ضحمت خلق را پس از سالها مانند پتکی آهنین بر بالای سر خود احساس کرده بودند و از ترس به آتش کشیده شدن لانه‌های پنهان شده‌شان به سرعت آنها را همراه با استناد چندین ساله استبداد و خفقان و وحش و شهادت و محاسرات تخلیه کرده بودند هنوز حال هادی خود را با زنده‌مانند. میزهای پنهانی سفید سوارک که سالها در دیوارها پنهان شده بودند تا برای پیرونده سازها پاسداری از شب و صیاهی و ضلوعی خبری چنین کنند هنوز از سوراخ‌های چند ملایم توانایی خود بیرون نمانده اند. در چنین شرایطی سنگهای زخمی‌ساز به سرانجام مستقیم او در مجلس فراموشی برادر پیروزی و روزی نامه‌ها پاسداری گشتارانشان از مردم تبریز کرده اند. از این سخن می‌گویند و تجاوز به مردم آزادی می‌تواند که در مورد از تصحیح و پدید آمدن و صلح و بود در همین حال از انگیزان شدن در محصود نکت بار شاه مانند در روز به اصطلاح نطفه در ایگان و در سخن می‌دهند و این که چرا دولت جواب نرسیدنی را می‌دهد. تمام این جنجال‌های انزلی می‌دارد که رژیم به شیوه گذشته با استفاده از اجواض به عنوان نظارت‌های استخباراتی در آتش دارد. با آن که بی‌اعتنایی به مطالبات مردم تبریز در آتش دارد. سوزی که بارها از زبان مردم تبریز در مجلس کرده و پاسخ نده اند است. بلندگوهای روزی نامه‌ها هر روزی می‌گویند و می‌گویند مردم از دولت می‌پرند مردم در تبریز چه می‌کنند و چه می‌خواهند و شمراتشان

چه بود. اما هرگز نشانی به این بر سر نمی‌دهند. آنها هرگز نه گفته‌ها نوشته اند که مردم به ستوه آمده در شهر قهرمان تبریز آزادی را فریاد می‌کنند و در برابر حکومت خون و خفقان می‌توانند. از جان اینو و خبرهای جعلی و سرپا می‌روند و یکپارگی پیش و منتشر می‌شود هنوز هیچ کس نمی‌تواند به درستی بگوید چه تمهید از مردم مبارز و بی سلاح تبریز در هجوم تانک‌ها و مسلسل‌ها گرفته و مبرمج شده اند هر چه سر آنها که در چنگال گریه‌های مسر شده اند چه آمده است.

بر اساس آخرین گزارش‌های که از سوی خبرنگاران "توده" از تبریز رسیده است، نظارات مردم پس از کشتن یکسری از آزادی‌خواهان نیز همچنان چسبیده اند. امروزه در بازار تبریز شور و شوق در این افلاخه مردم در هر قدم دعوت شده بودند. مبارز شهید پس از آن گلوله باران مردم در قم دعوت شده بودند. مبارز شهید پس از آن گرفت. با پاسداری برای نیسانن لایحه روی دیوار باز دارند که گرفت. با گلوله بیس‌رسیده شاه در حق خود فطرت و کلماتی که شاهد عینی ما را بودند پس از دیدن این صحنه به طرف پلیس حمله کردند. جمع بزرگی از ناظران صحنه جسد او را شمشیر ۲۹ بهمن را به دست کشیدند و به طرف مرکز شهر به راه افتادند. خبر نگاران "توده" که در شهر تبریز نیز شاهد نظارات و شورش بودند اندناگر می‌کنند.

همین‌طور می‌توان به درستی تعدد ارگانه‌ها و دشمنان را مشخص کرد. اما آنچه مسلم است و همه نظر در اثر تانک گلوله به شهادت رسیده‌اند. با خود شاهد انتقال صدها مسرجم به داخل خانه‌ها و کلاس‌ها می‌آید و از ترس و شهادت می‌بهرد. در محاصره و محاصره فطرت راهم مردم به مدتها روی اسفالت‌هایشان با حاضری پیاده رو را افتاده بودند.

نویسند

(فوق العاده)

(وابسته به حزب توده ایران)

شماره ۲۰ - سه شنبه ۹ اسفند ماه ۱۳۵۶

درد شور انگیز به مردم قهرمان تبریز!

(اظهاریه هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

حزب توده ایران در برابر شهیدی این فاجعه بزرگ سر تعظیم فرود میآورد و همه صی و همبستگی خود را با پلیمانندگان آنان ابراز مینماید. حوادث تبریز زلزله بزرگی است که در کاخ پلید استبداد محمدرضا شاه روی داده و بزرگترین موج جنبش مردم در سالهای اخیر است و نشانی میدهد که در «جزیره ثبات» ظروف ششم همگنی می نورد این حوادث یکبار دیگر نشانی داد که سرب آتشین قادر نیست مردم از چنان گمنامی با که برای نزل بنامتلال و دیکراسی پستی خسته اند و از رژیم استبدادی بجای بیزرانند، بهراماند. مبارزه طبقات و قشر های متحد خلق علیه رژیم افسانه دارد و گسترش مییابد. حزب توده ایران با تمام نیروی خود پشتیبان و شریک این مبارزات است. حزب توده ایران از همه نیرو های مترقی و ضد رژیم دعوت میکند که با تمام قوا برای سوق بیشتر توده ها بمبارزه همه سیاسی و ابتکارات خود را بکار برند و در این مبارزه سوسختن و پیگیری نقش دهند.

بیروز یاد مبارزه قهرمانانه مردم ایران علیه استبداد لاشیستی محمد رضا شاه!
 متحد بید نیرو های مختلف رژیم در برابر علیه ارتجاع سیاه!
 درود شور انگیز ما به مردم قهرمان تبریز!
 هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران
 اول اسفند ۱۳۵۶

روز شنبه ۲۹ بهمن ماه در یکسلسله از شهر ها و از جمله تبریز، استهبان، شیراز، اهواز و غیره، قشورهای مختلف مردم برای نشان دادن خشم و اعتراض عمومی نسبت به رژیم ددنت به تظاهر زدند. این تظاهرات مردم در شهر تبریز دامنه ای وسیع یافت. در این شهر نیرو های مسلح دستور جبرانه شاه و برای حفظ رژیم استبدادی و ضد ملی وی مردم بی سلاح را در صحن گلوله باران وحشیانه و حمله سیه تانکها و مسلسل ها تراز دادند. صدها کتبری از مردم تبریز در اثر این امثال دمدستانه شهید و یا مجروح شدند. در جریان این حوادث رژیم بنا بشیوه همیشگی خود با دست زدن به یک سلسله خرابکاری بقصد چنگو کشش و اوباشک سواک، در کلاست این بیبریت آهسته آهسته خود را توجیه کند و کسانی را که با استفاده از حقوق حقه قانونی خود در نهایت نظم صحت به تظاهر زده بودند، مورد آزار و اهانت و تعقیب قرار دهد. سختگیران رژیم در مجالس و سنا و رسانه های گروهی با بکار بردن تملاتی که برازننه خود آنها وارباب تاجیر آنهاست، در حق مردم شرافتند تبریز اتهامات زشت بکار میبرند.

ما درود پیشور خود را به مردم دلدار تبریز، این گهواره ارجمند آزادی و جنبش مترقی در مین ما، ابراز میباریم و به گلوله باران سیه مردم از طرف رژیم ضد ملی و استبدادی شاه با حدیث هر چه تملتر اعتراض میکنیم.

حقایق تکان دهنده ای از قیام صد هزار نفری تبریز

فرمان موی پهلوی خود آن دست از نظامیان را که روزم دستور صریح می داد از آتشکودن به روی خواهران و برادران خویش سرپا زنده و با افعال ضد و ناسخ و ناخشنودی آشکار گلوله ها را به جای سینه های مردم به آسمان شلیک کردند و موی بگدسه عنوان ضرر در انجام وظیفه تحملی نظمت در برابر اراده خونین و اهریمنی فرماندهان و اجدان او، خود به درستی به انگیزه های روحشگری چه طول و عمر دهنده تکی آورد!

فرمان عملیانه هبات نظامی به تبریز به سرپرستی ارشد شفت (اجودان شاه) و شرکت گاوهای پهنای سفید دریا و نظیر میبهد تبریز، بهبهه رسمی و سرانگرت بستا لالسی درست به خاطر همین تود و وسیع در صحنی ارتشو شهرتانی صورت گرفت. این هبات در واقع برای بافتن رشته ها و لایسل طمعان صد هزار نفری تبریز به این شهر نرفت، چرا که شاه و کاسه لبان و دلگان و اجدان او، خود به درستی به انگیزه های قیام خونین و خشنامی مردم و اهل بودند. آنچه این هبات عالی رتبه نظامی را پشت زده به شهر طلی کشته بختن هسای فراوان سرکنی سرایان و افسران و درجه داران در مجرم به فردا بی سلاحی بود که تنها جرشان آزادخواهی است. پاره ای از این ما جوان که به هر حال در درد مشترک خلق سهمیم بودند، لباسهای خود را در راه افکندیم و صوف آزادی و خلقی طمعس شدند.

بختانهای بیبایی و سخنرانی های صسی و پر آب و تانی که به دنبال قیام تبریز توسط فرماندهان و اجدان ما، برینتلو کاههای نظامی را غلط قرار داد، و اهمیت ترحمیق و درگیر رژیم را در پایتابصیان شورانگیز مردم به وضوح نشان می دهد. یکی از این فرماندهان به افراد خود گفته است:

شهادی ما را به ما برگردانید. حالا که زندگی آنها را از ما برودید، جنازه های کرای آنها را پنهان کنید، لاله هاسی را که در روزگرمه به خلق سوزگور برگردانید... جلا... سرورع با فان...

در متن این فرای صوسی خلق آذربایجان است که رژیم غمبه شب بازی مجبوراً برای لوت کردن جنایت فراخوشندنی و نگان دهنده ای که در تبریز مرتکب شده و آغاز کرده است. از یک سو به صد ار بر بختنامه رسمی شده تا از طرفی حملات زمختگی که خود تشری دیگر از قربانان رژیم استبدادی و ضد ملی اند، به درگاه شاه آدی می خوار نشانی نامه بفرستد و قیام سراسری زنده ای شنگر شروطه ایران راه اصلاح محکوم کنند. و از سوسی دهان گشادان مجلسی و کارکارک های مسخره تبلیغاتی حق روزنامه هسهای ساواک زده روسی و نش، تیخانته های پراز جریلو لبین خود را به روی سلحتوران طمعان کرده گشو در ماند تا واقعیت خورش های ۱۰۰ هزار قیام کننده تبریزی و انگیزه های اساسی آن را از مردم بپوشانند و با حقایق تحریف روبرو آها، بهانه شهادت زینر در تبریز راه با شمار آزادی اوج گرفته است. در روز های که شخراشوی غربه های چندش آرزو خویشم کنند. در کاران شاهده بازی رسوا و جلا بزرگ، شاه یز رنگ نوبه امیرالیمس فرمان صا در کرده که ما موران خطا کار حوادث خونین تبریز تنهیم شویم. در حالی که تمامی اخبار و اطلاعات دقیق و نامید شده حاکی از آن است که فرمان قتل عام بر حمانته تبریز مستقیماً از طرف شاه صادر شده است. این نامشیرندگش و چندل. اهداف دو گانه خود را هسای می کند. شاه با این فرمان که از یک طرف می خواهد دست خود را از زمین صد ها آزادخواه تبریزی بشوید و سالو سانس در برابر انظار مردم مسئولیت این جنایت طعمی با کفر چنسه صوره ناچیز خود، به گردن دیگران بیندازد، روز طری دیگر بسا

خونهای که از تبریز، شهر تمام و خون روزی می رسد، مطابق کتمان شده هونگاری را از قتل عام بی ترمانه و خون آسبز ابلهس تا حدار و مقاومت پهلوانی و حماسه آمو خلق زنده بیده و به سینه آده آدر با بجان بر ملا می کند. ده روز پس از ناچمنه تاریخی تبریز صانع موق و شاهان صحنه های این طمعسان به خون تنیده، تمداد شهید لرا تا... نفر نگر می کنند. در حالی که آمار مجروحان به حدود هزار نفر می رسد، خبرنگار "نبرد" تصریح می کنند که نزد یلبه دو هزار نفر تا کنون دستگیر شده اند و جست و جوی مملات و خانه های مردم و تفریح بدنی و هگدران ططن در صابو با سمت و پشتو نخران و کستانخانه آدرامه دارد. شهر در زیر کابوس حکومت نظامی است، و کوسو ارتش فاشسم آن را اشمال کرده است. خشم در گوی خلق آزاد را با خنجر گره خورده، از حراحت صحتی که بر لب شهر قهرمان نشسته هنوز چنین می جگد، اما مین های باکی که در روز هسای ۲۹ و ۳۰ بهمن ماه روی اسفالت خیابانها و سنگر، نیکو چه هسای ریخت، گوی هنوز زمانه می کنند برای مایران سرود آزادی و خوانند فرد و خروج به تبریز کنترل می شود، انبوسهای صافخبری و ظار زیر نگاههای پر از شک و بدگمانی سگهای بازی و رژیم است. خروج اهالی آذربایجان از حزب بازگان تقریباً قطع شده، بزوم که سنا آرتیباش به خون جباران و آزادخواهان گفته است، به شهر شروطه، شهر آزادی، شهر ستارخان و صدید موی اوطی، چشم غره می رود و جنگ و درندان نشان می دهد. او و خواهرتوس و لیز خود را در برده سمیت حیوانی بپوشاند و با بوی سرتیز و دود باروت و سابه تانکها، شهری را که داشت شقایق های سوزان ایران است، به کو بری می نقش و صامت بدل کند، اما امر نگاه صد ها هزار تبریزی - جوانان نگاه مایرینیا خلق آذربایجان - غرض خاموشی جو شد:

نویسد

(وابسته به حزب توده ایران)

شماره ۲۱ - شنبه ۲۰ اسفندماه ۱۳۵۶

سلسله مقالات (نویسد) دربارهٔ ویژگیهای جنبش کارگری ایران
وقتی روشنفکران انقلابی و مبارزان مارکسیست در برابر آن (۲)

مبارزات صنفی طبقه کارگر

رأی بر می گرد ، موجب می شود که جنبش کارگری با مبارزه اقصای آغاز شود . لنین می گوید :
" مبارزه صنفی یکی از بدیده های دائر و ضروری در نظام سرمایه داری است و در تمام لحظات برای جنبش کارگری حیاتی است . " (مجموعه آثار - جلد ۷ - صفحه ۸۹)
مبارزه صنفی و اقتصادی ، میدان نبرد برای نبرد نهایی است . هر کارگری باید این ضرورت را بپذیرد . باید فنون جنگ های سیاسی آینده را که با سر نوشت او در آینده است و در این مدرسه فراگیرد . باید در این دست و پنجه نرم کردن ها ، دانش های مطالباتی ، انتصاب ها ، نظریت صنفی خود را کشف کند . استعدادهای خود را بیابد و برای هم که داشتن بصحنه های تاریخی آید بدهد شود .

مبارزه صنفی یکی است که رشد آگاهی طبقاتی را تسهیل می کند و در روند آگاهی روح شد سرمایه داری را و کارگری را انگیزد . پیشوا خود رنده اکثر می آید :

" سازمان های کارگران برای مبارزه اقتصادی باید سازمان های صنفی باشند . هر کارگر سو سوال دیگر است (کونیسم باید در مورد امکان خود به ابرسن سازمانها بلری رساند و بعدانه در آنها فعالیت کند بگذر از هر کارگری که به ضرورت اتحاد برای مبارزه طبقه کارفرمایان و دولت می یورد ، در اتحادیه صنفی شرکت حیدر . "

همچ طغای به اندازه ضربه کزگر استعدادهای تشکلهای دارد . اما این طبقه برای تشکلهای دنیوی و غیر تشکلهای سیاسی ، طبقات استقلالی در برابر تشکلهای کارگران بران شده بدیده می آید و آرنسید . وضع قوانین ضد کارگری ، بیکرد و هیران کارگران ، باهال کردن آزادی های سندیکایی ، مرکزب اتحادیه های واقعی وابستگان اتحادیه های که توسط دست نشاندهگان بنسوی کارفرما اداره می شود ، از جمله وسایلی است که برای تفرقه صنفی کارگران و پیشگیری از تشکلهای آنان به کار گرفته می شود . برانداختن مواجعی که طبقاتی استقلالی و دولت آنها در برابر مبارزه بیکارچه و هیرانی بخش کارگران

شناختن حواصت و اشکال گونه گون مبارزه طبقاتی پروتلفرلسه اصلی ترین آموزش انقلابی مارکسیسم - لنینیسم است . این منظره کاهی است که روی نمود سطحی که گاه در پنهانی ترین لایه های اجتماعی و در زیر پرده های منبسط درود و جاپر حیران می بایستد گاه به صورت سرود ، برقی ، زینت بریزه ، جامهها در می نوردد . هم در آن جنبه کم روت و استنار شده و هم در آن حالت انفجاری و هیران ، مبارزه طبقاتی کارگران یک دم فروغ نی شود . آنچه صحت اشکالی از این مبارزه عام حاکیترین اشکال دیگری می شود ، اشکالی عالی تره از اشکال قبلی فرای ریبود برود عناصر سیاسی ، متحرک طبقه حضور اجتماعی و تفرقه تعیین کننده آنها فرقی می دهد .

مبارزه طبقاتی پروتلفرلسه عرصه اساسی دارد :

- ۱- عرصه اقتصادی
- ۲- عرصه سیاسی
- ۳- عرصه ادبی و فرهنگی

مبارزه از این سه عرصه ویژگی ها کیفیت متمایز دارد . عرصه های که این عرصه هارا از هم جدا می کند ، همان دیوار ناپرس بلندی است که باید به دست مارکسیست ها از جان برداشته شود . برای ضرورت رخنه این دیوار که انقلابی ترین سپاه و هالی بخش خلقی سر پیش است آن محسوس است ، بایست طبقت و صفت واحد و د و تشکر هیرله از این عرصه ها را به درستی و رفت باز شناخت . رابطه صنفی ابرسن سه عرصه و تفرقه عنصر آگاه در آجستن و بیوند هرچه بهتر و مصطفی آنها ، الفیای جهان صنفی مارکسیستی است .

۱- مبارزه اقتصادی کارگران

هدف و انگیزه مبارزات اقتصادی (صنفی و سندیکایی) تفرقه بنونی) بهبود شرایط کار و زندگی کارگران است . مبارزه اقتصادی در وان همان نبرد مطالباتی طبقه کارگران است که تا انتصاب فرا می رسد .

دفاع از شایع ریزه و و اقتصادی برای شای کارگران - حصر می تفرقه ترین آنها است نقطه پاینده درله ، بلکه حاذبه انگراست . این جد به روستت فقر مبارزه اقتصادی که آماد بود و وان سرمایه

بگذار «او» عو عو کند...

شاه در روز نهم اسفندماه ، در کنگره آشنایی زنان ، عروس - ماهی که نور می افشانند مردم را به سکی که عرو می کند تشبیه کرد . او در این سخنرانی عصبی ، هیراها عقده و آینه به جین و تپه بد و خشم و استنصال ، از حق که به کون سپرد دارد و بواجب و نعمات بی حد و ایزه او که به ملت بخشیده ، سخن گفت و سرانجام ملست حق شناسی را که جواب این همه فد اکاری و زحمت و رنج شانه و رفته باشت های کز کرده ، و مو تن در عم و تفریز و تظاهرات اوج کزنده در مراسم کثرت و دستخیز و ضافت خوانی اشکار و نهان در مفاصل و سماج و کوجه و خیابان و مسجد می دهد ، سکی که عرو می کند ، خطا کرد !

از ده بگفته اند : شنگ را که برداری ، سگ باری می کند . شنگه که در این شرب الطل های مردی ، چه تفریه و حقیقت زنده ای نهفته است . درست در محبو حه کسترش تفریق آسای نطاهرات انفرادی ، برخواستن ابراج طلم ناراضی و خشم نمود های سگ هار امیرالیم ، عو عو شاهانه و حنون آسوی را سرود و باست حق با است . بگذار ناپرس سگ و نرناسه بگردد . این شروع تشنج مرگه و لاعلاجی است . وقتی که پایه شنام به میان می آید ، نشانه آنست که حتی تبلیغ و دروغ و شایع ریزی بازی و نهان های فلا بسی نایخود را به کنای از دست داد و نماند و تفریق بر آب شد بماند . از شاه در برابر هجوم سرساز آرد و حلقه بجز نشتر و تیغ و دندان گروهی رفتن و پایه زمین کز قرض ، کزگی ساخته نیست . او می داند که حنای تفریق و تفریق رنده شده و واقعیت زندگی نقش پاینده و ضد طریقی لیاقتی و فساد و تفریق های انسانه اهل و ایران و انصارش را با نمره های کوششش در هرگز نشد کثرت ، فاش کرده است . اوج پیچه های خلق را که به صورت هزاران سوال به دون جواب در هر خانه ، هر اداره ، هر کارخانه ، هر دانشگاه و هر کجای اجتماعی ، شکل گرفته می شوند . او می داند که عرو می می داند به برگردن زنجیرها و عرو عرو و تفریق ریزه و تفریق ریزه ، در روی بند کزگی کزگی ها و ناپرس طای سیاه و ابراسیم و عرو عرو و نزال سنگ و نعمات و ثروت های طریقی شایع ریزه ، طریقی زنده با اهانوس از مشکلات و نارسایی ها و بیرومیت های بیاد می شنوی ، کنگرله می رود . اوی داند که عرو می می داند ثروت های نفسی مابه حکم منابع و مصالح امیرالیمت های جیانفور نید بده گوله و سمنل بتانک و مدین ترین هوا پیمای دنیاه در صحنه ۲

به مناسبت هشتم مارس (۱۷ اسفند) ، روز بین المللی زن

«نیمی از بشریت» باید آزاد شود!

روند آزادی کامل بشریت امکان پذیر نخواهد بود . لنین میگوید :
" انقلاب سوسیالیستی نمی تواند صلی شود و اگر قسمت بزرگی از زحمتکاران زن در آن سهم قابل توجهی نداشته باشند . "

مگر بشریت تفرقی و تفریق ریزه از نسی از وجود خود صریح منظره کند و نیده ای که به آن تفریق انسانی و ولای انسانی و اجتماعی ضرر می کند است ؟

ما در دورانی از تاریخ زندگی می گیم که ضمن اساس آن گذر از سرمایه داری به سوسیالیسم است . بشریت زحمتکار و کارگری اشکالی آن حنان جامعه نبینی است که تمام او را در گذشته تاریخ بشری را به ما قبل تاریخ می راند و هیران آن هرگز نه ستم طبقاتی ، ملی ، نژادی و جنسی را از عرصه اجتماع می زداید . بجز در این روند آزادی ، بحد پروتلفرلسه و در انحصار نیروی لایزال آن روشنی طبعم و جلیوتی عرصه زحمتکاران و ستم به دگان است . جنبش آزادی خواهانه زنان ، که نیمی از بشریت را تشکیل می دهد ، به شرمه موم که گذشت ناپذیری از این نیروی طبعمی تشکلهای می دهد . به طوری که به ن آن تحلیلی



برای گسستن زنجیرها بیا خیزیم!

مبارزات صنفی طبقه کارگر

فراری دهند و آسان نیست ، چرا که کارگران باید علیه طبقه مافیستینز که تخمه سیاسی فراوان دارند دستگاه اقتصادی و تبلیغاتی و اعمال غیر واهرم های کلیدی جامعه در دست های آسان شتر کواست.

مناخ قابل لمس اقتصادی و ماهیت حرکت تبلیغی سرمایه داری - به هر شیوه و شکل آن - کارگران را به سوی تشکیل گسترده گسی سوق می دهد . تشکیل تغییر پریشور است . ایران توده رایسته دست می خورد تا آن رابه تنگی که می خواهد بسازد . نایب آبد ن بر تدهی ، همان سرازه است ، مبارزه ای که طبقه کارگر باید در گروه آن فرام بگردد و استخوانهای سخت و ضلالتی برود این شود . ضلعی این مبارزه رشد و پیشرفت آن است . طایف نرس سلاح کارگر در این سن مبارزه ناگزیر و انتخاب است . انتخابی در حال عالی تر نیست مرحله مبارزه در کیفیت صفت آن است . بدین حربه انتخاب در روز برونبارا هیچ دور نمی آید . اما انتخابی بخود تنه فلز آسانی است گشتن های مدها از هم برونبارا به هم ضلعی گشتن آژان زنجیر مستحکم بسازد . ظهور انتخاب از حرمان تشکیل پریشور را و روش خنثی شود بری آن و انکسار انتخاب بر مدها مودت مونس این تشکیل در حکم راهبان نشین و تزلزل خاصی دارد .

مختصای مایه کارگران و آیزینه کیا هم ضد خنثی است . بسه سرمایه داری به پیگیر برخیزند .

لتن آتاه و ستانورد های انتخابی را که آخرین مرحله خیزش مبارزات اختصاصی است ، از این عرزهای موثر فراتر می رود :

مختصای جنم کارگر را که نه فقط به ماهیت سرمایه داری ، لمان بلکه به ماهیت دولت و قرائن نیز بازی می کند... در استان کل ، بازنس کارخانه و پلیس و مانیان نیروهای ارتش و در برابر کارخانه ظاهر می شود ، بازگرمایان قاضیا مبارزه می کرد هم جمع شوند و ملنا در مورد راهی می گاهش دستبرد مایه جت کنند ، ولی کارگران اگر به یک حوافظ شترک برسند ، و حتی کارگر محسوب می شوند .

(لنس و " دوره انتخابی " ، شماره ۱۰ ، بهمن)

لتن در عین حال که ترویج می کند : " انتخاب تکب نبرداست کشتی که در آن کارگران می آوندند بادستان خود برای آزادیتما مردم ، تمام آنبایی که زحمت می کنند ، از زیر بوغ مایران دولت و سر ماه بسنیزند . " بروی تکبای بنیادی توفی می کند :

" اما تکب نبرد ، خود نبرد نیست .

پس به حمت و جوی میدان اصلی نبرد خویم . اما کما ؟

این میدان در آن سوی جزه های مبارزه صنفی است . آنجا که شمشور آخته خیه ، از نظام سیاسی آن بیرون کشیده می شود .

مختصای ، یکی از راههایی است که کارگران آژان برای آزادی خود استفاده می کنند ، ولی تنها راه نیست و اگر کارگران نظار خود را به راههای دیگر مبارزه محظوف نکنند ، برسد و بیوفیت خیره راکند خواهند کرد .

(لنس) نبره انتخابی .

طبقه تا وقتی پایه صحنه مبارزه سیاسی نتواند داشته ، هنوز خود را کامل نکرده است . وقتی طبقه کار نیست ، پای او در مبارزات اقتصادی هفتادی می لنگد . سیاست او محدود و بنزدیک بین و ایزاستیز او کند و صفت نیانته وانگن بهره گیری از نظامی نیروی باقیه اثر صفت است . این صفت اساسی از آنجا است که او با اسلحه خود بوروازی به جنگ بوروازی می رود و میدان جنگ او زمین است که دشمن حشاتی پهنایشان را انتخاب کرده ، زیر و بم و گوشه و کسار آن را ماهه ارزیزه و موشاوشی شناسد .

این صفتی را به شتر بشکافیم :

طبقه کارگر تا وقتی ازحصار مبارزات صنفی سو برون نیاید و در است ، گذشته به سیوا ایدولوژی بوروازی است . لنس می گوید :

" یوه خود به خود کارگر بگراسته سدی بر فراری تسلط ایدولوژی بوروازی بر این خنثی می رود . . . خنثی خود به خود کارگری همان ترمه یو نوسیم - همان صورتنا سنگد گامیم - است . ترتید یونیون نسیم درست در حکم اسارت ایدولوژی کارگران به دست بوروازی است .

" (که باید کرد ؟) " ازانشارلات حزب توده ایران ، صفحه ۴)

لنس به این بوسفرکه حرابارزه صنفی و خنثی خود پیون کارگری زیر سطه ایدولوژی بوروازی در می آید ، چنین پاسخ می دهد :

" ایدولوژی بوروازی از نظر تاریخ بدایش خود سدی موبینه تر از ایدولوژی سوسالیستی است ، مابینه سدی جو انب کو نه کن بیشتری طرح ریزی شده و وسایل بسه مراتب بیشتری برای اشاده دارد . "

بوروازی بر آن می کشتی در دامره بسنه مبارزات صنفی خنثی

هشدار به نیروهای مبارز

درحالی که تبهخت طی و ضد اسنده امری و ضد اهر مانیستی به دوران نازه ای از خنثیایی رسیده است و مابا هر گسترده آن هر روز به تنگی رخ می نماید ، فعالیت های پلیس رژیم نیز شدت و گسترده گی بی سابقه ای یافته است . طمیان نوده ای قم و لنگسه ه قام ۱۰۰ هزار نفری به خن خنجهه نیزه و نورا آن افشاری هستند که در شماری جامعه نابری می رده ، اما جلوه های دستگر این افشار در اشکال مبارزاتی شتر می ریه اوج گیری است . افزاینده فعالیت های صنفی ، احیای سازمانها ، حزب سیاسی ، عصیان های فردی و در شتن این همه جزئی رانده شترتات طی و انقلابی و فلاحه ها و بنشیناه ها زینوشن شمارهای آنتین سیاسی و ضد اختیاتی بر در و دیوارها ، برزبراد جار سرگرمه میوشند که در است . یکی از وسایل طبقه مبارزه ای با این وضع و از بدیدگاه رژیم ، توسعه دانه فعالیت های بنسی است که در ماههای اخیر خبران وحدت بسپار یافته است . به عنوان شکر در به نیروهای مبارز ، اینها این روزهای پلیسی و بیگرنگی آن ، ضروری است .

علاوه بر امکانات کلانتری ها که در حد اکثر ارضت آن به کار گرفته شده ، بگر تفتیش افراد مظنون در کوچه و پیشانی ، موشاوش کرون اتو جیل ها و بازجوی آن ها و وصوم ای ناگهانی به خانه ها و بیست سومی در حق کشته مازولیا و سرواخ سینه ها ، متوسط ایگی های مختلفی که به سازمانهای شفرات پلیسی وابسته است ، انجام می گردد .

اولی شتابنا صحت اتصال های گشت کلانتری ها را به الفسره در و پاسبان تک راننده (صلح) در محوره های جزو طبقه هر کلانتری به طو شتراب در درفت آیدند . آنان نه تنها هر مایر شکر تک بلکه هر اتو صانی را که به بیم آنان وضع فرهادی دارد ، موشوف می کنند ، و مورد بازجوی قرار می دهند .

علاوه بر این ، چینه ایگی صییر اداره آگاهی به طو شنبانه ردهی در شتر به گشت موشونند . هر ایگی را که اتو صیل بسط سیه رنگ با جراج فریز گردان و رنگ ایزله انبر و دو تا سه مایر صلح است . تمدن این گشتی ها از شب تا صبح تا ۲ ایگی است و تمامی خیابانها و معاری شهر موشور آنهاست . اینان مجبزه به بی صوم انده بایگه بگر در ارتباط دائم هستند ، نادر هنگام ضرورت ، به یکت هم بشنایند . دقتنه ایگی های جزو در درجه اول شناسایی اتو صیل های صوره است که آمار آن در شهران ریزانه به ۱۰۰ تا ۲۰۰ دستگاه می رومد . پس از آن بکار گاه طمیان و شسرماز مرتدان) صفت این گشتی هاست . اما نباید فراموش کرد که کلانتری این ایگی ها تابع حدود خاصی نیست . آنها به هرجه شترک شوند ، نزد صک می گردند ، و فراتو صیل با جرایم که بنواهند بر دینسی بازنسی و شهبانی قرار می دهند و از بگر به فعال سیاسی دست یافته ، بی درگ او با باز استی می کنند . این شکرچام انسان ایدولوژی زینک بخشش کننده گان شنبانه ها و نویسنده گان شماره در دو بوار کویه ها و مایانها هم هستند . گشتی های آگاهی شب هانمانند .

گشتی های کمترین خبران تک ایگی های مبارزه با ممالکسان سیاسی اند . این ایگی ها به کروهها ، بنیاد موشورند . هرگز از بک راننده صلح رسه مایر و تنگس می شود . شکرچام کشته بسه سلسله های " فری ساعت اسرائیل و صلح ایگی (رولور) صلح " اند

بیوفیت های گسترده تری داشته باشد ، و ناگزیر است آئین بوروازی سارزه رانانده ، خود را از ایدولوژی بوروازی ، برهاند و بسا اسلحه ای جز این به جنگ خصم طبقاتی رود . این اسلحه مضافات سلاح سیاسی است .

مبارزه سیاسی نو نتواند جز با تکب به مبارزه اقتصادی و آبخستن بالان خود را روح دهد ، اما مبارزه اقتصادی ، بی هم خصو سیاسی به بن بست می رسد و در انتهای طنماتی این بن بست رسه به دیور سنی بوروازی می گوید .

مبارزه اقتصادی ، بی خصو سیاسی شتاب : گنده ، بخری در رخت و مقر کاهلی می ماند و به مود آسبه ، رساند . حتی انتخاب مایه نیلور آگاهی صنفی طبقه است ، از این مایه هر گسر نی مایه لنس می گوید :

" انتخاب تا وقتی نتواند بیوفیت آیزر باشد که کارگران به اندازه کافی آگاهی طبقاتی داشته باشند . "

اما این " اندازه کافی " جگرواست ؟ صفتل شترچام چیست ؟

طبقه کارگر تا وقتی باجهان بینی خود نیاختهش و از آن بسارور نشده است ، برای بوروازی طبقه است ، اما برای خود نه . از آن دم که بورولاریا در آفته سوسالیسم علمی صمیمی کامل خویش را

در دانشگاهها چه میگذرد؟

تهاجم فاشیستی

به دانشجویان پلی تکنیک

دانشجویان دانشگاه پلی تکنیک تهران به عنوان اعتراض به کشتار و شمشاین مردم دلاوری و سلاح تیز و همدردی با خلسلک قهرمان آذربایجان روز هفتم اسفند دست به اعتراض و تظاهرات زدند.

کاره همیشه مستقر در دانشگاه برای مردم شکست این انتصاب به دانشجویان حمله و زنده انجمنی نمودند دانشجویان به مراتب بیشتر از افراد کارگردان این بورژوازیها با شکست روبرو شدند و دانشجویان حمله نفر از افراد کارگردان همگوشه ای جانانهای ایرانند. پس از شکست این یورش، کار و دانشگاه از این تهاجمی کک کرد و چند لحظه بعد گرازهای چاقی به دست و نصاب به جیره با حسی بوس و روی پلیس وارد دانشگاه شدند و دانشجویان انتصابی را محاصره کردند. کار پس از آن که مطبقت شد برای دانشجویان راه فراری باقی نمانده است به داخل ساختمان کلاسها و هرگز نشه و کاری که گمان می برد در آن دانشجویی مانده باشد سرک کشید و تمام دانشجویان را در محوطه محاصره نمود که گرد و سیس بیخاری کوزه های شخصی بوشیزم یا چاقی و باتوجه همان دانشجویان گرفتارند. تعداد گرازها آن قدر زیاد بود که به گناه دانشجویان در برابر هر دانشجویی و میاجم قرار گرفته بود.

میاجم پس از خروج کردن در هبیا دانشگاه و شکست سرد دست و سینه های آنها بانهید به ادا کله دانشگاه دانشجویان را وارد دانشگاه و نشوه سرپا زنده های شاه با مطبوع کلا بپرونده ایام این روز فاشیستی هم گفتند که در حالی که با تمام هار و جیها را به علامت تهنیت بپوشانند سر داندو بان گرفته بودند و اعلام داشتند تا همه گویند "خدا بر شاه کلا بخیر و باتوم ادا مع حوادم داشت. اما دانشجویان راه آزادی را کنار سر و رویشان حق جاری بودند به اس خوار شدند اندر هرگز آن که مطبقت شد معاصره کار و ریشکند و حوادم را چنانچه با اطراف پوسانده از پشت جلوه های دانشگاه فریاد "موت بر جلادان" و "آریا میهنک پاد" را سر می دادند.

گزارش های رسیده از مجموع شدن در هبیا دانشجویی بسیار در دانشگاه پلی تکنیک در جریان یورشهای درنده شاه به ایمن دانشگاه حکایت دارد.

نامه اعتراضی استادان پلی تکنیک

استادان دانشگاه پلی تکنیک تهران که در جریان یورشگرا از ها به این دانشگاه مورد ضرب و شتم و شمشاین جانداران و مردم قرار گرفته بودند، نامه ای اعتراضی به رئیس دانشگاه نوشته و ضمن محکوم کردن یورش و دشمنانه پلیس بعد از دانشگاه و به حق گنبدن انتصاب مسامت آموز دانشجویان اعلام داشتند باید سپین ایمن یورشجویان هر چه زودتر تنبیه شود و استادان دانشگاه کماز ضربات جانگزاگر به های بگریستن در امان مانده اند و در بعضی درخواست نمودند.

دستگیری دانشجویان دانشگاه فردوسی

اخبار رسیده از مشهد حاکی است که دستگیری دانشجویان دانشگاه فردوسی در سطح گسترده آغاز شده است. نشوه دستگیری این صورت است که ایست دانشجویان افعال در اختیار گرفتار دانشگاه فردوسی شده و رئیس دانشگاه هم در خوابگاههای دانشجویان که در محل دروسهای از شهر قرار دارد، تنگ نماند دانشجویان راهگشا و روزه به بهانه ای به دستگیر و محاصره کرد و بی سرو صدا آنها را تحویل ساواک داد.

تظاهرات دانشجویان در خیابان های تهران

دو هبیا دانشجویی دانشگاه پلی در روز سوم اسفند مطبقت شدند در خیابان امین الملک واقع در جاده فرین دست به یک سلسله تظاهرات بزنند و جیره صمیمانه در کاتو و راهزوی بلندگو های تبلیغاتی رزم برای کارگران سالن این خیابان افشا کنند. اگسر ساکنین این خیابانها را کارگران زحمتکش آذربایجان تشکیل میدهند و به همین دلیل دانشجویان با خود پلاکاتی حمل کردند که روی آن نوشته شده بود: "درد خلق های ایران به شهیدای تیره سوز" تظاهرات طبق فرار قطعی حدود یک ربع ادا به دست و سبسی دانشجویان قبل از سر رسیدن ریز های میاجم شاه پراگنده شدند.

تظاهرات دانشجویان در زاهدان

به دنبال طغیان قهرمانی مردم چهریز که توسط پلیس و ارتش شاه به خون کشیده شد در زاهدان مردم به نشانه همدردی بسیار خانواده های هزار ارتزیز دست به یک سلسله اعتراضات زدند. دانشجویان دانشگاه سیستان هیلوجستان برای ابراز همدردی انتصاب کردند اما این انتصاب با هجوم پلیس به دانشجویان و سوسو شد. دانشجویان برای دفاع از خود با افراد کارگردان دانشگاه گلایسز شدند و سرانجام این هجوم به دشمنانه ضربه خسارات سنگینی به ساختمان و تاسیسات دانشگاه و مسروح شدن دو هبیا دانشجویی در جریان این تظاهرات اعتراضات پلیس نمودند از دانشجویان دانشگاه سیستان هیلوجستان وارد سنگر کرد. طبق گزارشهای رسیده به دنبال حمله خوشین و گارد به دانشجویان دانشگاه سیستان هیلوجستان دانشجویان مدد مانی زاهدان نیز بمحال نجات مطلق درآمد و پلیس و ارتش در تمام نقاط حساس شهر بیخ گرفته تهاجمی تظاهرات ضد دیکتاتوری آزاد بخوانه مردم مطالبه کنند.

اعتصابات دانشجویی در کرمان

دانشجویان دانشگاه و مدرسه عالی امیر آری کرمان به عنوان اعتراض به اخراج نمودند از اینک کلاسی به اینان هفته گذشته دست به یک اعتصاب همگانی بپیکار نمودند و از حضور در کلاس درس خود اوا کردند.

دانشگاه به اشاره وزارت امین دانشجویان راه بهانه شرکت داشتن در تظاهرات اعتراضی اخیر امین دانشگاه برای محکوم کردن گناه باران کردن مردم قم و تبریز اخراج کرده است. دانشگاه و مدرسه عالی امیر آری کرمان تقریباً تمام هفته گذشته را در محال اعتصاب گذرانده است.

طبق گزارشهای رسیده در حرمس انصافات هفته گذشته دانشگاه و مدرسه عالی کرمان اتاق انطانات مدرسه عالی امیر آری کرمان به آتش کشیده شد. هنوز از تعداد دستگیر شدگان احتمالی این انتصاب خبری رسیده است.

شاه در نقش نوکر ارباب کلر تو

اخبار رسیده از شومز حاکی است روز ۲۹ بهمن دروش اعتراض گسترده نمودهای شهر به حال نه تعطیل در آید و گروههای مختلف مردم در خیابانها به راه افتادند. دانشگاه نیز تعطیل شد و فرام اعتراض در دانشگاه هم خوابگاهها را سرخورد پوشانند. در خوابگاه آرام که دانشجویان در آنجا می خوابیدند، پیشاپیش دانشجویان و یارگارد بزرگ حرکت داده می شد که روی یکی از آنها یکسره شاه خالص روی دیگری هکس کلر تو امین نماینده نیرومندترین خاندانهای امیرالاستمساینده شده بود. دانشجویان با الهام از تصانیف آریاب پینتلا و بگرتگر جاتی، که همان روزها در شومز احراری شده روی هکس کلر تو نوشته بودند "ارباب یو پینتلا و روی عکسهای خالص هم نوشته شده بود "توگرش مانی". دانشجویان به این ترتیب با الهام از نمایشنامه "ارباب پینتلا و توگرش مانی" اثر نیفستسه آسانند و دست زدن به فریب و بیعت نشان داده بودند که از صورت شاه آگاهند و می دانند که او فقط وظیفه نمایندگی "به خصوص نمایشنامه بوخت و توگرش سوسو سیرده سرگردان" فلرنگران، آقای گارنسر است.

مبارزه استادان دانشگاه جندی شاپور با شرایط اختناق

دانشجویان دانشگاه جندی شاپور (اهواز) از مدت پیش به مبارزه با شرایط اختناق که در دانشگاه حاکم شده است، برخاسته اند. استادان روشنفکرو ترقی خواه که این اختناق پلیسی را محاور و روش تحقیق می دانند و تمسک آن را در وجود کار و های انتقادی دانشگاه می یابند، طی نامه ای خواستار انحسار کار از صحن دانشگاه شده اند. آنان در این نامه تاکید کرده اند که در شرایط موجود زیر سلطه پلیس، نه استادان و نه دانشجویان ندارند.

اعتراض استادان دانشگاه جندی شاپور به دنبال واقعه ای که جندی پیشتر در دانشگاه علوم امین دانشگاه و امینک گرفت و آنگاه نوسه یافت. در این حادثه بر اثر هجوم گارد پلیس به دانشجویان در کتابخانه دانشگاه ضمن کلاسها بعد از زبای از دانشجویان مجروح و صدمه دید شدند. کارهایی که خواستند به زور و دانشجویانی را که به عنوان اعتراضی به انتصاب سیاسی حاکم بر کلاس و دانشگاه کلاسها را ضامنات را تحریم کرده بودند به سر حمله امتحان کردند. اما در این هجوم بیروشنه، نه تنها بر نفرت دانشجویان و عزم مبارزه آنها در زنده و بلکه خشم استادان را نیز برانگیختند. استادان که در در شاگردان خود شریکند، صدای اعتراض خود را با صدای خود و میوان آنها در آویخته اند.

پیروزی دانشجویان ساری

دانشجویی مدرسه عالی کشاویز ساری برای اعتراض به حلقه گوری از فعالیت های صحنی شان دست به یک اعتصاب بپیکار کرده زنده در حالی که در دانشگاه حضور می یافتند سرکلاسی بودند. دانشجویان در تمام مدت در حالی کتفم خود را حفظ کرده بودند و مدام به یکدیگر ستیزی کردند که گنگند که به انتصاب به دست پلیس بعد از در دستور دانشگاه دور هم جمع شدند و راه به فعالیت های صحنی بخت می کردند. مقامات مدرسه عالی سرانجام سربر خواسته های خود دانشجویان به ناچار تسلیم شدند و حاضر شدند به تمام خواسته های دانشجویان رسیدگی کنند. نتیجه این اعتصاب و رسیدگی این بود که کتابخانه های دانشگاه و سلف سرویس (به مدیریت دانشجویان) باقی بماند که هنوز در واحدهای نشوید دانشجویان بود.

تظاهرات دانشجویان ایرانی در آمریکا

دو هبیا دانشجویی ایرانی در امریکه علیه اختناق آریامبوری در امران دست به یک سلسله تظاهرات زدند. تظاهرات در شهر نیویورک روز در امات لویس باهای امریکا برگزار شد و پلیس امریکا با گاز اشک آور به دانشجویان از اسبوهوا ایران حمله کرد. مطبقت گزارش که را در لندن پیشتر کرد باست پلیس جمع به از تظاهرات کنندگان را دستگیر نکرده است.

دانشجویان در این تظاهرات در دیکتاتوری سیاستمداران و کج حین بختی روی ایران سایه انداخته است نظیر اند و کله امیرالپس امریکا را به زور بر روی فضای شاه محکوم کردند.

صحنی خلق های مابه خاطر قضایا چرکین سیاست پلیسی اختناقی و هده خلقی رژیم شاه - ساوان شد. تعطیل بازارها و انحصار بیات روز افزون کارگری و تظاهرات وسیع بوده ای، طغیان ها، هشتبیز کاشی ها و احزاب و اصناف، در راه احمای حق و صنف و آزادی های دموکراتیک و جلوگیری از دستبرد های حکومتی حفری ملت و اقبال بر شور و شوق مردم از سازمانهای صنفی و سیاسی مخالف و مردم مسلط و تظاهرات بانگ و تکان دهنده ناراضی و خشم و عزم حکومت زنده ها در قیام حماسی تیز و صمیمان به شوق نیم و گاز و زور و دیگر شهرها و نشانه ها با انتشار رزم بوسیده ای هستند چون مومالی های صنفی و هوای تازه و نسیم زندگی بر آن می زند. شاه و کار در مبارزه، شاه خود را در حرمه کوه، حفره در ای مردم خط و نشان بکش و آنها را زیر ریکار ناسزا بگرد. هر چه باشند خنق های آمرین لحظه های حیات در در تکان و پر شکجه است. خلق سنگ های درشتی برداشته. بگرتگر هوه کوه...

حوادثی

که رژیم از انتشار آنها وحشت دارد

کازرون عزادار است

اشارسیده از استان فارس جایی است که کازرون و شهر کوچک و در فاصله ۱۰۰ کیلومتری از شیراز است. در روز شنبه ۲۹ بهمن ۱۳۵۷ جمعی بسیاری از شهرهای مجیر اسیر ماه خون کشیده شد. مردم کازرون سوابق انقلابی درخشانی دارند. در فاصله ۱۰۰ کیلومتری از شیراز است.

تا چند روز بعد از کشته شدن امیرالهی ۲۸ مرد، مردم کازرون تسلیم نشده بودند و فریاد آزادیخواهی سر می دادند. رژیم هم به تلاقی و در سالیهای اسارت پاریس از کورتا، این شهر را در سر بست نگه داشت و کوچکترین توجهی به آن نکرد. حتی برای این که کازرون از مسیر روابط بازرگانی بیرون بیفتد، چهاره تنوازیو به شهر راه انداخته بودند. کازرون شهر دیرینه است. در زمان شاهنشاهی صفوی آن شهر بارزیم شاه - ساواک شده بود. سوابق مبارزه انقلابی مردم در این واقعیت آگاه کرده بود که مارتن گرا، حاکم و از کشتار مسووم در پنج تارزند. در نمازها، با هم ها پنهان ها و مخصوصا در اطراف میدان "خوابگاه" که تنها مرکز تجمع شهر است، مکرر از یادای سنگ جمع آوری شده برای هنگام نبودن خورشید، مردم صبح ۲۹ بهمن مردان در میدان خیرات جمع شده و آنگاه فریاد خشنود ه هاله از انزفرت و کین نسبت به رژیم استبدادی و ضد خلقی شاه آنگاه بود در همه شهر مظهر شد. کناره های سازه به مردم پورتر شدند و اما مسووم خشکمان به سینه آمده نه باجم دشمن را باستاند پاسخ دادند. کوی ار استکان سینه فرو ریخت. دشمن اینده اگر بهت و باقی بماند که بازگشت، به روی مردمی که آند بودند تا کترین حق حیات خود را طلب کنند و آتش گشود.

در حوادث کازرون در نظر گرفته و ده ها نفر مرموح شدند. شهر کوچک تهران، این روزها عزادار است.

سقوط دلار و خیانت شاه

دلار همتان سقوط کرد و قیمت دلار هم کالای وارداتی روز به روز بیشتر می شود اما شاه در لاهور خلا حلقه به گوشه انساره امیرالهیسم آمریکا، این دشمن بزرگ خلق، با قیمت نفت استیلاست نهد انته است و دست در دست یکی دیگر از مرتجع رژیم های ربه افراطی جهان، یعنی عربستان سعودی تمام تانکر کشتیهای بخشو هفتاد تانکر کشتیهای نفت "اوپک" را بنی "رافضی بوابی" کند. روزنامه الساسیه چاپ کویت می نویسد: "بازی ما دلار خشان و ضحرا پیش آورده است که در حقیقت باید گفت کشور های نفت خیز در حال حاضر به آمریکا باج و دهند. این باج از کینه مسووم کشتیهای نفتی همرا به یک به تریتمه ترین کشور جهان پیشکش می شود." باید گفت روزنامه الساسیه از ظم انداخته است که این باج را خود نوازین، مرتجع ترین بیوفالی ترین رژیم ها از جمله رژیم شاه و نیز کدراول رژیم قوی و سخانی عربستان سعودی می دهند تا جنر هفتاد تانکر کشتیهای نفت از ایران به سرتان آسیا حیح نشود.

در اینجا ما سقوط دلار حو ننگار خیرگزاری نامرتوز تهران خیر و دهه که "کشور های نفت سازمان صادر کنندگان نفت (اوپک) از جمله ایران به ساسیت نیز شدیدی نرخ دلار در بازار بین المللی پول سخت تر شدند. عدم ثبات نرخ دلار کوهامد پولی پایه برای جایی نفت صادره به کشورهای سرمایه دار است. ممانه شدیدی به اقتصاد کشورهای مسوولیت و زدیوار سنگینی بر دوش آنهاست. تنزل دائمی نرخ دلار در بر آید آن کشور های نفتی خلق بخشیده بیبای کالای صنعتی و وارداتی ربه افزایش است.

سقوط قیمت دلار و پادشاه و وطن عزیز به باری رژیم مرتجع عربستان سعودی برای ثابت نگه داشتن قیمت نفت طبق اخباری که حتی روزی نامه های اولی باختر به امین آن شده اند - مطبوعات در ایران فریاد خشنود و موهامه زدو به گفته دیپلماتیک، ایدامه سقوط دلار و ثابت ماندن قیمت نفت خیره فرید ۱۱ قطبگذار دلاوری بسیاری کشورهای تولید نفت خواهد شد.

نظارات ضد رژیم در اصفهان

به دنبال کشتار حیوانی مردم آزادیخواه در قم و در روز ششم ۲۹ بهمن ماه شهر اصفهان به نشانه همدردی و اعتراض به سنا ل نیمه تعطیل در آمد و اکثر نمازها و مراسم های بازار تعطیل شد اما ساواک به منظور تهدید و ارعاب و همزه های باز آریسان مشورتی با نصب تابلوی "تخلف از مقرات صنفی" بست و ضمه دارد احتیاط و خود نمازه هارا حراج کرده، بیزل آنرا به نفع خود ضبط کند. اما علی رغم همه این تدابیر طغیان خشم مسووم فرو نشست و به دنبال قتل عام و پنهان نمودن قربانان نیز، مراسم شهر اصفهان را اوج تظاهرات وسیع و پیاپی فراگرفت. گزارشگر نیند از اصفهان خبر می دهد که در روزهای ۲۹، ۳۰ و ۳۱ اسفند ماه در این شهر تظاهرات و تظاهرات وسیع و پیاپی فراگرفت. گزارشگر دیگر اقبال مردم در گردوهایی چندگانه در بخش های مختلف شهر دست به تظاهرات وسیع و پیاپی زد و در جمعه روز ششم شاه زنده و سرنگونی امیر رژیم مسووم را خواستار شدند. تظاهرات پراکنده اما مستوره مردم همچنان ادامه دارد. شدت و وسعت تظاهرات به حدی است که در تمامی سطح شهر نیروهای پلیس ارتش مستقر شده و حتی "پاکتر کارخانه ها کارگران، که در این تظاهرات نقش جزئی داشته اند، تحت نظارت و نظارت شده به مأموران ساواک و ارتش فرار کرده اند.

تمثال شاه و فرح در شهرهای ایران

در یکی از نظره های پهنش نویسد: خبر از ابتکار مردم دلیس و مردم آباد در مردم اه تصویر شاه و فرح خونی نظامی گرد مودت. اشعار سیده نشان می دهد که در شهرهای دیگر هم مردم "خوش شاه" و "سنگ شاه" به نجایان روانه کرده اند.

روز ۲۹ بهمن در جریان اعتراضات مردمی خیروی (شهر کیبکی در فارس) ناگهان دو نفر که یکی از آنها به شکل شاه و دیگری به صورت فرح، همسر شاه، در میان جمعیت پدید آمدند. هرگاه که توسط نظامی تحریک شده بودند، به سرعت و درودند و خدایان را که چه نماز را پشت سر می گذارند. پادشاه و فرح، در اینجا هم محصور شدند مانند مردم آباد، بر سر خوردند و همسر خود را با شلیک گلوله این شتر روی به سوی جنین بزرگ باز کردند. دو روز بعد، در همین شهر مردم "سنگ شاه" و "سنگ خدایان فرستادند. توده های زدن شد. پادشاه و فرح را در یک عکس شاه جلاد و همسرش آراسته بودند. مسووم است این دو عکس هم مانند مسووم است محتوم جلاد ناجده ایران پیش مرگ بود.

وحشت شاه از مردم

از آواز مروح جدید طغیان های خلقی در نقاط مختلف کشور تعداد محافظان شاه خشانگر چند برابر شده است. در اسفند این باری بود که شاه آرد کشان پس از به گلوله بستن مردم در قم و نیز در شهرهای دیگر طامری شد. اوامده بود تا در مراسم روز به اصطلاح "عقاری حقوق سیاسی" به زنان ایران "اراجیف میوه کشیده" را ترار کنند. در این مراسم مسووم به بوسه های تواب هیبتی زد و دسته سگ تازه هم به اعتراض از رده شده بود. دسته ای از اربابان اراخان که در جایگاه وزیر خایبانه به طرز مکرر آتشگر صف کشیده بودند و سگ ها را بچکی نشسته سگ و بلیون عراه داشتند و دست مردم کیف های حموی حمل می کردند که بزرگوار یک کیف دست بود. سگ های که در دست اراخان خشان زبانه زده می شد، همسایه آخرین سلاح ها می بود که از ایران امیرالهیست برای مرارت از نوکر خوشنواز خود در ایران فرستاده بودند. حضور سگهای جدید مراقب آن چنان جلب توجه می کرد که در تمام طول مراسم همه ترکندگان یانگشت و اشاره سر آنها را بگرد بگر نشان می دادند.

از گوشه و کنار کشور

پاسخ دندان شکن معلمان

به مبلغان رژیم

روم، در خواب سنگین مرگ خود، هنوز دست و پا می زند. نماینده های شاه به شهرهای مختلف می روند تا پاسخنرانی های آتشی را ترمیم آور و عقابیت کار بزم خود گد راه مردم حلقه کند. خواب این باوه ها هم جا بپوشند و در شناپاست.

خبر نگاران نیند از شیراز گزارش می دهند که در هفته های گذشته، چندین از دستارگان رژیم به این شهر رفتند و با آنها به همان ترتیب رفتار شد. حسی سر فراز که در گه سگیای رستاخیزی پاریس می کند، در جلسه ای برای معلمان اندر فریاد حذب و پناهی رستاخیز صحبت می کرد. معلمان که به تیره به جلسه آورده شده بودند، به عنوان اعتراض شروع به بیج و بیج و حزی زدن و خندیدن کردند. صدای حزی زدن و خنده آن که بلند شد که دیگر صدای پاریس که دست آوز رستاخیزی به گوش کسی نرسد و او محصور به ترک جلسه شد.

در جلسه "دیگری که سپیده صبحی در تبریز سازمان به اصطلاح بداعبر نظامی، یکی دیگر از نماینده های ساواک، قصد تبلیغ و توسعه رژیم پوسیده را در تبریز را داشت همین وضع تکرار شد و سپیده صبح فرموده، در حالی که رنگ به جبهه نداشت فریاد هایش تنواست مردم بود را برساند. مردم راهی می سولواقی ضمیم و گوشه را گم کرد.

رژیم که این توده های خالترها بنا ناورد بود، این با و دیگر عالمی تهرانی قائم مقام حزب سارانی را برای توسعه و تبلیغ تهریز به شیراز فرستاد و گروهی از معلمان و دانشجو یانی را که در تبریز می کشد، به زور در جلسه سخنرانی جمع کرد. همین که باوه های عالمی به پایان رسید و نیت سوال حاضران شد، ناگهان جلسه به دادگاه رژیم تبدیل شد. کسانی که از میان حاضران بر می خاستند با سترگه کرده و فریاد خشم از ساینده شاه ماسایل می خواستند. ظم راضی معلمان نیز میزبان کند. جلسه چنان شکی بیجا کرد که عالمی خان محصور شده به جز "مسمومی از اوامعیت و رسوای گنده و رژیم اعتراضی که بگوید های زندگی در تبریز سبب طغیان مردم هستند. در اینجا شخصی گم مود را در کوی خود، مردمی گرد مود بر ماسات و پناهیا حاضران را تهدید کرد و گفت که خود را حاضرین معیوبند پاسخ به دهند و حلقه حوادث نیز به جوده است. "باب دیگر مای که به نمایندگی از ذوق ساواک آمده بودند همکار در بگریز انگیزند (۱) می خواست اعتراض ایلواقی کند که حاضران را هم برسانند. دیگر سارانی آنگاه چند نفر را حاضران را به زور بلند کرد و به آنها دستور داد و طعن و تهریز را بیکر بند. چند نفر در جواب ایسین بر سر سگ ت کردند و بقیه باخشم و فریاد می بلندتوده هارا ضحیر کردند و گفتند که ستم می پایان رژیم بغارت می پایان توده هارا محکوم مسووم به سبب طغیان تهریز شده است. فریاد ها چنان طغیانی بود که دیگر سبب طغیان و دیگر سارانی دشمنان را روی کر نشان گذاشتند و به سرعت گامه بسی دیگری رفتند.

خراج و تصفیه کارمندان

در مؤسسات دولتی

در ادارات و مؤسسات دولتی، رژیم دست به اخراج و تصفیه دامنه داری زده است و اخراج وسیع کارمندان ادارات و سازمانهای دولتی آغاز شده است. از این گروه کارمندان از دانشگاه آزاد اخراج شده اند. تعداد کارمندان اخراجی بیش از ۱۰۰ نفر است. رژیم اخراج کارمندان را از کارمندان بیانی آغاز کرد. در میان کارمندان بیانی هم در برده صدها اخراج شدگان را و کادای تشکیل می دهند که سابقه های دارند و در چند سال امسواستند آمده اند.

اعتصاب در زندان قصر

وقایع و تظاهرات مادران در جلوی دادرس

ارتقش

در میدان آگاهی های عیان مانده عزیز ترین فرزندان با پشت های کمره کرده و قلب های سرشار از عشق به خلق وطن ی روزی تا بسا اراده ای آتشین و بیکارجه و در شرایطی که اعتصاب دانشه دار در زندان قصر جریان دارد روزی در بنگر ایستاد و یارهای بلندگاز گشتند. اعتصاب های پراکنده ای که هر چند گاه یک بار برای اعتراض به شرایط و بدرفتاری های زندان های شاه و مواضعیست حاکم بر زندان ها شکل ی گرفت اکنون چون حریفی سرکش زندان قصر را در پی گرفته است. اعتصاب زندان با بند های ۶ و ۷ و ۸ زندان قصر که با خود دردی زندان با افزایش اقبالان شورشده بوده اکنون بنام بند های زندان قصر گسترش یافته است. زندان با افزایش از گرفتن حومه دولتی خود دردی ی کند، پنج خواسته برای ادامه حیات سراسر رنج و افکار خود در بگوئی های روز به روز کند در آنجا آسایش و رفاه نیستی از زندان، اجازه ملاقات با اقوام درجه دوم و پایان خشیدن به محدوده و بی نظیر تحمل و روح کسب و نشتی و محاز به زندان فرار دارد. زندان با افزایش اعتصابی هم برای رساندن بانگ اعتراضی خود به خارج از زندان و موافقت با افزایش خود دردی گردانده و به این ترتیب پدران و مادرانی که در محله رابا اخیر برای ملاقات عزیزانشان مراجعه کرده اند، در زندان راه باز سوال گرفته اند. در چند هفته ای که اعتصاب ادامه دارد در روزهای ملاقات با پاره های زندان با این به انحاء مختلف از در آن باسج قانع گشته به پدر و مادرها طفره رفته اند اما بالاخره ناچلیسیه اعتراض شدند که زندان با افزایش اعتصاب کرده اند.

به دنبال هر یک از این اعتصاب در زندان درینده و جمع گشوی از مادران در مقابل دادرس ارتش روز شنبه ۱۳ اسفند جمع شدند و از خواسته های فرزندان از جمله خلع دفاع کردند. طبعی گزارش های رسیده حوضی از مادران زندان با این سیاسی فعل از اعتصاب در مقابل دادرس ارتش در روز چهارشنبه در محوطه زندان اجتماع کرده بودند و به مسئولین زندان شده او راه بردند که تا فرزندان را از زندان بکشند از محوطه زندان خارج نخواهند شد - زندان با افزایش طفره زد و دیدار افزایش نمانده بودند و در خانه های زندان با این سیاسی به خیر و بد اعتصاب که امتناع از ملاقات نشان اعتصاب در زندان است - اجتماع خانواده زندان با این در محوطه زندان تا ساعت هاد اصرار اصل نتیجه ای حاصل نشد. اما در همین اجتماع مادران دانستند که فرزندان در زندان به خواسته مهم دارند که برای رسیدن به دست به اعتصاب بزنند - این خواسته ها عبارتند از:

- ۱- تمدن نظر در محاکمات ظالمانه و عدالتی - بهبود کیفیت ضرر قابل تحملی از زندان - آزادی ملاقات اقوام درجه دوم - امکان دسترسی به امور و - پایان خشیدن به محدوده زندان - تدبیر و روزی با هار و آزارها به محوطه زندان.
- ۲- همین اجتماع مادران با یکدیگر قرار گرفتند روز شنبه ۱۳ اسفند مقابل دادرس ارتش جمع شدند و خواسته های فرزندان را با صدای بلند به گوش همه مردم رسانند.

آنها در محوطه مقابل دادرس ارتش و امیلی دادرس ارتش جمع شدند و اعلام داشتند و خوانند که این فرزندان نشان حوازا ملاقات اجتماع ی کنند.

گشای و تضرع و شهادت خود در راه قضایی زده بودند و در محالی که حاضر نبودند حتی چند دقیقه به حرف حساب این مادران گوش دهند و آنها را به شهرتانی باسری دادند. در محلفاتی که اعتصاب کنند گسارگردان مانده بودند که محکمت و ماوران مصلحه گوش شاه آبیاری آید و ی گردند تا حقوق خود یکی از زنان با صدای ناخانی مادران فریاد کنند:

- اگرچه حرف ما گوش نشنید و بخواید ما را این شهرتانی و ارتش باسری همد از همین جا در خرابیهای راه ای اقم و هر چه در دل داریم برای مردم ی گوئیم.
هنوز حرف این مادران در دل تمام نشده بود که دیگری خطاب به ماورای فریاد کنند:

اعتصاب ۱۰۰۰ کارگر معدن

در زیر آب

در حدود ۱۰۰۰ نفر از کارگران معدن نخال سنگ زیر آب (شاه مهر) امروز سه شنبه ۱۰ بهمن ماه اعتصاب بکنار چه اید اعتصاب کردند. این اعتصاب همس که کار شش روزی مدتی به پایان رسیده و کارگران لباسهای کار خود را از تن خارج کردند. آغاز شد. خواسته کارگران اعتصابی علاوه بر مسائل مالی و رفاهی کاری و توجه اساسی به وضع خدمات درمانی آنها بود. معدن کاران زیر آب مانند دیگر کارگران زیر آب آهن (و همچنین شرکت نفت) به مشکلاتی نرسیده و از خدمات درمانی که شرکت های ناهمه عرضه ی کنند و استفسار نه ی نمایند. به این ترتیب کارگران ناگزیرند به پزشکان معدن و مراجع کند در حالی که نطفه نیز فاقد مراکز لازمه خدمات درمانی است.

وقتی تذکرات پهای کارگران به مسئولان به جای نرسیده، اعتصاب آغاز شد. کارگران شیفته های مختلفه را من اعتصاب به هم جسون خودند تا به نیروی اراده و اعتراضی خود بفرزاند. امروز شنبه ۲۱ بهمن ماه تکسین همانند کارگران اعتصابی پیوسته به این ترتیب این مبارزه بر شور کارگری وسعت داده و بیشتر گرفتو کارگاهها گسلا راه مانده.

روز گذشته ۲۰ بهمن در شرکت حفاظت زوب آهن از تبران سازمان منطقه شد. کارگران در این هنگام توسط افواج زاید ام محاصره شده بودند. اساس در معدن ... این کارگران که به گمان مسئولان بیشتر شور و هیج عاقد داشته و صق خواهی ی کردند، نوشسته شد. از کارگران خواسته شد به سر و صدای سرگردان باز گردند اما این کوشش بی نتیجه بود. آنها تصمیم خود را بر این گرفتند تا تعلق خواسته های حق شان کوشش کردند. پس از این قشاری و زنجیر چه به آنان قبل اکید داده شد که به سرعینیا نظر افروخته تا نشانهای آنان خود بررسی و از فرجه گرفتارند آنها حل خواهد شد.

با این تعیین زنایک، اعتصاب ۶ روزه به پایان رسید. در جریان اعتصاب کارگران، یکی از زندین سمن گادر به مدت یک هفته برای ترضیف اعتصاب کنندگان به بازگشت به کار و رفاهی آنها آمده بود. خطاب به کارگران گفت:

شما به سر کار برگردید، ارتقش حاصلتان را نیز طبق کنید. با تمهید که کاری از پیش نمی رود.
کارگروانی فریاد زد:

- آقای مهندس و شادمان من چهل و پنجاه سالگی و هنوز غری خراوات و شادمانی جوانی هستند، اما به قیافه من نگاه کنید. ی بنیبه که در سن بیست و چند سالگی بر شده ام. این شرایط طاقت فرسا و غیرعادی است و غیرانسانی که به ما تحمیل کرده اند، باعث پستی و ذلتم من و رفاهی من است. تیوطوری ی توفای مردمن و اوشال مرا بپذیر.

فر شردید کارگران ناگهان از هر سو بلند شد. این صدای رسنچ درید. اما دلوانه ای بود که کسی از زگیی ۵۰ کارگران خارج ی شد چرا که در آن روز شرکت در وقت تلخ زندگی تمامی معدن کارگران نمشکین بود.

مدن نخال سنگ زیر آب در دانشه که هبای البرز فرار دارد و از مراکز معدن تا مین گشته و سوخت گلخانه زوب آهن اصفهان است

سراجهای سببه نفر در سردیس و امیلی ارتش (نشر) به ادگاهی که همه هایلر و راه آزادی و استقلال کشور بر پایه حوب به اندام سیرد و با روزه زندانهای حقوق شاه کرده) با جمهوری ای بر افروخته و با یاروز به معان جمعیت آمد. زینماک پشت بند انبهای به همس فرود شان هزاران نامزد او شدند و با چشم حیران ی زوال راه هم ی رو شدند. خیلی سریع خواسته های فرزندان در معدن شان را مطرح کردند و منظر پاسخ و هشت هار به هم فرستادند.

زوال با لباسهای لیزان گفت که به خواسته های زندان با اینسان رسیدگی ی کند تا آنها را رفع شوند به اعتصابشان پایان دهنده و به ملاقات بمانند.

زنا پس از گرفتن این قبل شرفی شدند. یکی از مادرانی که در اجتماع مقابل دادرس ارتش شرکت داشته به خیرگی تمهید گفته است:

مدام ی گویند ۴ اسفند صد ای از زندان با این آزاد میکنند ولی زندان قبل از اعتصاب ی گفته هت تبلیغاتی که را باند اعتصابه برای تربیت است. شتی جا گرفت و با چاهایی را ی خواهند آزادی کنند تا به جان مردم بمانند زندان. در زندان در شتاب است که از

اعتصاب کارگران شرکت جی. اس. و. در بندر شاهپور

کارگران کارگاههای شرکت واتنی J. S. W. در بندر شاهپور از روز ۲۱ بهمن ماه برای افزایش دستمزدها خود اعتصاب بکنار چه اید و آغاز کرد. سه اما پس از سه روز که اعتصاب ی گذشت، گسار فرمانان خارجی شرکت با لک و پستیانی سنگین زاید امرو دولت شاهنشاهی که کارگران اعتصابی را به ی برداشت حقوق قانونی آنان اهرام کردند. اکنون روزهای شتالی است که کارگران به عنوان اعتراض به اهرام غیر قانونی خود در جلوی اداره کارگاه آ جی سی ی شوند و خواستار رسیدگی به وضع خود هستند اما مسئولان اداره کار به اعتراض آنها توجهی نداشتند.



اکنون حدود یک سال است که شرکت واتنی J. S. W. در بندر شاهپور به ساختن دو خط لوله آب بگو برای آتش نشانی واحد های پتروشیمی و دیگری جهت آب آشامیدن بندر شاهپور مشغول است. علاوه بر آن ساختمان ۴۲ دستگاه نانگولر است. مواد مستحقی (ظهور نفت) هموزق و از در این شرکت است. در این شرکت بیش از هزار کارگر ایرانی نیز نظرد ه ای کارگر و سیرت گز ای واتی، تایلندی و ایتالیایی مشغول کار هستند. کارگران ایرانی بیشتر لوله کش و سنجگر و تعمیر کار ماشین ها و با ارتده هستند. به علاوه تمهید اداری و سران که بیشتر آنها از طبعت عرب و اهالی دهات اطراف هستند در این شرکت کار می کنند. سیموکارگران نیز با تمهید در این گونه ترکها دریا لا برن سطح آگاهی طبقاتی و مبارزات طبقاتی کارگران نقش مهمی ایفا ی کند.

یکی از معدن کارگران که در سه کارگاه اصلی سرو شده شرکت کاری کنند و اکثریت کارگران باید در مسیر طول لوله و دیگر قسمت های ریزاز بر زیر آفتاب سوزان و طاقت فرسا کار کنند. دستمزدها کارگران ایرانی نسبت به کارگران خارجی دو سطح بسیار ناچلی فرار دارد. شرکت که به اندازه کم دستمزد به کارگران روا ی دارد مثلا در ذره اخوری شرکت سه هزار ۱۰ تومان هجانه است. ۸ تومان برای کارگران تمام ی شود و این برای کارگران که دستمزدها نیز ی کمند بسیار است.

از دیدن بیشتر کارگران به طور براننده خواستار افزایش حقوقی خود شدند. کارگران ی گفتند تا این شدتی که شرکت از ما کار می کند ما این حقوق ناچیز خود را بر نمی آوریم. روسای شرکت با مشاهده که چگونگی اظهار ناراضی و با کدنگاری از سوی کارگران را آنها را اذراج ی کردند. در هفته های اخیر کارگران پس از گفتگو های جان خود با یک رشته کارگری شده بودند. زندان و در نتیجه کارها به پیشرفت و رفت و سرکارگران خارجی هم بهانه ای بر سر اذراج کارگران نمی یافتند. در این کارگران با بدین آنها به کارش عمل ی شدند و به محض آن ی رفتند و دست از کاری کشیدند. کم کاری در ماه طول کشید. سرانجام کارگران در روز ۲۱ بهمن با قرار قبلی به طور کامل دست از کار کشیدند. روزی در اعتصاب زندان ها به محوطه کارگاه خود را وارد شدند اما کارگران برای آن که بهانه ه حوم به بهانه همد خود را مبراهم کارگروشل دانستند. شرکت اعلام کرد کارگران اعتصابی را اهرام ی کند. روز سوم کارگران در یکی از کارگاهها حبس شدند و یکی از کارگران به سخنرانی پرداخت. در همین سخن ماورای ساواک سر رسیدند و به کلک زاندر ارباب کارگروشل را دستگیر کرده، با خود بردند و شرکت از همان روز کلک کارگروشل اعتصابی را بدین برداشت هیچ حقوقی اهرام کرد. این روزها اعتصاب کارگران انحرافی به وضوح رسدی که به وضوح خود در جلوی اداره کار آبادان اجتماع کردند. در این میان صد ای از کارگران بنگار نیز به اعتصاب اعتراضی آنها ملحق شدند. از فرجام کارگران انحرافی خبری در دست نیست. اما شرکت معدن از روز ۲۰ کارگروهی را از طریق ماه بپشتکار ایرانی نام حاح ابوا لاقسم بر سر اداری مصلحات استفاده کرده است.

حین از کارگران انحرافی در گفتگو ی خیرنگزیده ی گفته:

- اذراج کارگران اعتصابی کارکنان با نیست و سرمایه داران همیشه به این گونه اهرامات مشغول ی شوند. اما حالا دیگر صد ای هستند که هر کارخانه با سالتگر می برود و باوش اعتصاب را ه ی اندازند.

این جا رفتن با چاهایی ها تمهید گرفته اند پس از آزادی دستمزد همس روزی را ننگین به دهند و در حزب توده فریاد در شاهپور به اینسان نام کنند تا هر جوع برای حنده به اعتصابات آزاد به اهرامان به اینسان نیز بود خبرشان کنند. حتی شایع است که به آنها ی خواهند مصلحتی هبوا ی حله به مردم به دهند. در روز تیزد و زمانان فاصبت و قاطل آزادی و آزادی چه گسای بیشتر از آزادی و مشتی جا گرفت و تاجه ای؟

این جا رفتن با چاهایی ها تمهید گرفته اند پس از آزادی دستمزد همس روزی را ننگین به دهند و در حزب توده فریاد در شاهپور به اینسان نام کنند تا هر جوع برای حنده به اعتصابات آزاد به اهرامان به اینسان نیز بود خبرشان کنند. حتی شایع است که به آنها ی خواهند مصلحتی هبوا ی حله به مردم به دهند. در روز تیزد و زمانان فاصبت و قاطل آزادی و آزادی چه گسای بیشتر از آزادی و مشتی جا گرفت و تاجه ای؟